

زیارت

آثار، آسیب‌ها و شبهات

محمدرضا احمدی ندوشن



زیارت (آثار، آسیب ها و شبهات)

مشخصات کتاب

سرشناسه : احمدی ندوشن، محمدرضا، 1349 -

عنوان و نام پدیدآور : زیارت (آثار،آسیب ها و شبهات)/ محمدرضا اسلامی ندوشن؛ تدوین مرکز تحقیقات حج.

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، 1391.

مشخصات ظاهری : 111 ص.

شابک : 13000 ریال: 978-964-540-335-3

وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ دوم)

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : کتابنامه؛ ص. [105] - 111؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : زیارت و زائران -- آداب و رسوم

شناسه افزوده : حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت. مرکز تحقیقات حج

رده بندی کنگره : BP262/الف325ز9 1391

رده بندی دیویی : 297/76

شماره کتابشناسی ملی : 2489334

ص: 1

اشاره

دیباچه

عشق زیارت خانه خدا و حرم رسول اللهصلی الله علیه و آله و قبور مطهر امامان معصوم علیهم السلام و فرزندان گرامی آنان و دیدار از سرزمین هایی که یادگارهای فراوانی از اهل بیت علیهم السلام دارد، دل ها را شیدا و بی قرار می کند و برای رسیدن به وصال یار، عاشقان پاک باخته را روانه دیار معشوق می گرداند و سالانه میلیون ها انسان دل باخته رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را آماده سفر و حضور در اماکن مشرف و بقاع متبرک اولیای خدا می کند.

این شور وصف ناپذیر نیازمند به آگاهی و شناخت است تا شور با شعور دینی در آمیزد و زائر را آماده بهره گیری از فضای معنوی اماکن مقدس کند. ازاین رو لازم است زائران اعتاب متبرکه با فرهنگ زیارت و تشرف آشنایی بیشتری پیدا کنند و در جهت رفع موانع کسب فیض بکوشند.

آنچه پیش روی شماست گوشه ای از فرهنگ تشرف به اماکن زیارتی

با عنوان زیارت است که حجت الاسلام و المسلمین احمدی ندوشن آن را فراهم کرده است. باشد که آشنایی با این فرهنگ ما را آماده بهره گیری هرچه بیشتر از فضای معنوی اماکن مقدس نماید.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه اخلاق و اسرار

مقدمه

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

خدا را سپاس که در میان مردم، کسانی را قرار داد که به سوی ما می آیند و بر ما وارد می شوند و ما را مدح و مرثیه می گویند. (1)

سفارش پیشوایان دینی نیز ما را به زیارت معصومین علیهم السلام، قبور انسان های پاک و شهدای راه خدا، برای ادای احترام به آنان، آموختن پاکی، ایمان و بندگی، زنده نگه داشتن یاد و خاطره آنان، آشنا شدن با الگوها و سرمشق های انسانیّت و نشان دادن وفاداری ما به آنها سفارش کرده اند. چنان که امام رضا علیه السلام می فرمایند:

هر امامی بر دوستان و شیعیانش عهدی دارد و زیارت قبورشان، از مصادیق وفای به عهد و حسن ادای وظیفه به شمار می رود. بنابراین، کسی که از روی رغبت و اشتیاق به زیارت ایشان برود، ایشان در روز قیامت شفیع او خواهند بود. (2)

همچنین رسول خداصلی الله علیه و آله نیز می فرماید:

هرکس بعد از وفاتم مرا زیارت کند، گویا مرا در حیاتم زیارت کرده است و هرکه فاطمه سلام الله علیها را زیارت کند، گویا مرا زیارت کرده است و هرکه علی علیه السلام را زیارت کند، گویا فاطمه سلام الله علیها را زیارت کرده است و هرکه حسن و حسین علیهما السلام را زیارت کند، گویا علی را زیارت کرده است و هرکه ذریّه و

1- « الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ فِی النَّاسِ مَنْ یَفِدُ إِلَیْنَا وَ یَمْدَحُنَا وَ یَرْثِی لَنَا » ؛ وسائل الشیعه، محمدبن حسن حر عاملی، ج4 ۱، ص۵۹۹.

2- من لا یحضره الفقیه، ابی جعفر محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) ، ج۲، ص5۷۷؛ جامع الاخبار، تاج الدین شعیری، ص۳۳.

اولاد حسن و حسین علیهما السلام را زیارت کند، گویا آن دو را زیارت کرده است. (1)

زیارت در اسلام، به خصوص در فرهنگ شیعه، جایگاه والایی دارد. اشتیاق مسلمانان به اماکن و زیارتگاه ها بر کسی پوشیده نیست. به عنوان مثال، هر سال میلیون ها ایرانی به مکان های زیارتی سفر می کنند و بهره معنوی می برند.

جایگاه معنوی زیارت و استقبال از آن، ما را ملزم به بررسی موضوع زیارت، از ابعاد مختلف و پرداختن به آسیب ها و شبهات مرتبط با آن می کند.

در پایان از مسئولان مرکز تحقیقات حج و همه عزیزانی که با حمایت و راهنمایی های خود به انجام این پژوهش یاری رسانده اند، تشکر و قدردانی می نمایم.

1- «فَمَنْ زَارَنِی بَعْدَ وَفَاتِی فَكَأَنَّمَا زَارَنِی فِی حَيَاتِی وَ مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ فَكَأَنَّمَا زَارَنِی وَ مَنْ زَارَ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ فَكَأَنَّمَا زَارَ فَاطِمَةَ وَ مَنْ زَارَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَكَأَنَّمَا زَارَ عَلِيّاً وَ مَنْ زَارَ ذُرِّيَّتَهُمَا فَكَأَنَّمَا زَارَهُمَا» . مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۱۰، صص۱۸۲ و ۱۸۳.

فصل اول: کلیات

1. اهمیت زیارت

زیارت به عنوان یکی از برنامه های عبادی سیاسی اسلام، در مکتب شیعه، جلوه ای زیبا، پرشکوه و محتوایی بسیار پربار دارد. زیارت ضمن آنکه انسان را آماده سفر آخرت می نماید، او را با مقام امامت و رهبری پیشوایان حقیقی آشنا ساخته و اطاعت از ایشان را در همه جنبه های زندگی به وی می آموزد.

از آنجا که آن بزرگواران، جایگاهی معنوی و توحیدی دارند و پاک ترین و صالح ترین انسان های روی زمین هستند، زیارت قبور آنان احساس پاکی و صفای روح را به دنبال دارد. پیامبر خداصلی الله علیه و آله به امام علیه السلام فرمودند:

خدا قبر تو و قبرهای فرزندان تو را جایگاهی از جایگاه های بهشت قرار داده و دل های پاکان از خلق خود را چنان به سوی شما گرایش داده است که در راه شما و تعمیر قبرهای شما، هر ناگواری و رنجی را تحمّل می کنند و پیوسته به زیارت قبرهای

شما می روند و این گونه به خدا تقرب می جویند و به رسول خداصلی الله علیه و آله عرض ارادت می کنند. (1)

«عبدالرحمان بن مسلم» از امام کاظم علیه السلام پرسید:

زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام افضل است یا زیارت امام حسین علیه السلام یا زیارت فلان امام. . . ؟ و یک یک امامان را نام برد. امام کاظم علیه السلام در جواب فرمود: هر کس که اولین ما را زیارت کند، آخرین ما را زیارت کرده است، چنان که اگر آخرین ما را زیارت کند، مانند آن است که اولین نفر ما را زیارت کرده است. هرکس ولایت اولین نفر ما را بپذیرد، ولایت آخرین نفر ما را پذیرفته است؛ همان طور که اگر ولایت آخرین نفر ما را بپذیرد، ولایت اولین نفر ما را پذیرفته است. کسی که حاجت یکی از دوستان ما را برآورد، گویا حاجت همه ما را برآورده است. . . . (2)

به دلیل اهمیت بالای زیارت قبور اولیای الهی، معصومین علیهم السلام به این امر بسیار تشویق و ترغیب کرده و پاداش فراوانی برای آن برشمرده اند؛ به گونه ای که حتی اگر شرایط خفقان نیز در جامعه حاکم باشد و دوست داران اهل بیت علیهم السلام نتوانند به زیارت آنان بروند، با سلام دادن از راه دور، ارادت خود را به آنان اعلام کنند.

«حسین بن بشّار» ، درباره زیارت قبر امام موسی بن جعفر علیهما السلام و ثواب آن، از امام رضا علیه السلام پرسید؛ امام علیه السلام به زیارت آن حضرت سفارش نمودند و برای آن ثوابی همپای زیارت پیامبر اکرمصلی الله علیه و آله برشمردند.

1- بحارالانوار، علامه محمد باقر مجلسی، ج۹۷، صص ۱۲۰ و ۱۲۱.

2- کامل الزیارات، ابن قولویه، صص552 و55۳؛ بحارالانوار، ج۹۷، ص۱۲۲.

حسین بن بشار گفت: «من ترسیدم و برایم میسّر نشد که داخل مزار و مرقد شوم» . حضرت فرمودند: «از همان پشت قبر (یا دیوار یا دورتر) سلام کن !» . (1)

بنابر مضمون این روایت، قبر امام موسی کاظم علیه السلام به شدت زیر نظر حاکمان عباسی بوده، به گونه ای که شیعیان به راحتی نمی توانستند به زیارت بروند؛ در حالی که شیعیان باید پیوند خود را با امام خویش تحکیم می کردند. احادیث بسیاری نیز بر این امر دلالت دارد که اگر راه تان دور و زیارت رفتن برایتان دشوار بود، بالای بام بروید و روی به طرف قبر امام سلام بدهید. (2)

امام صادق علیه السلام به زیارت اولیا و دوستان خالص ائمه علیهم السلام، در صورتی که زیارت قبر امامان ممکن نباشد، تشویق می کنند؛ و می فرمایند: زائر ثواب زیارت ائمه علیهم السلام را می برد؛ (3)هرچند حضور زائر در کنار مرقد آن بزرگواران، سازندگی بیشتری دارد.

افزون بر ائمه علیهم السلام، به زیارت امام زادگان و دیگر فرزندان پیامبرصلی الله علیه و آله نیز سفارش شده است. پیامبر خداصلی الله علیه و آله فرمودند: «عیادت بنی هاشم واجب و زیارتشان مستحب است» . (4)

همچنین در ذیل روایتی فرمودند: «هرکه ذریّه و اولاد حسن و حسین علیهما السلام را زیارت کند، گویا آن دو را زیارت کرده است» . (5)

1- وسائل الشیعه، ج14، صص545 و 546.
2- وسائل الشیعه، ج14، ص۴۹۳.
3- بحار الانوار، ج ۷۱، ص354.
4- مستدرک الوسائل، ج۲، ص۷۹.
5- مستدرک الوسائل، ج ۱۰، صص۱۸۲ و ۱۸۳.

۲. تاریخچه زیارت

حضور در مکان های مقدس به عنوان احترام و پاسداشت، امری عمومی و جهانی است. از بررسی اجمالی ادیان برداشت می شود، مفهوم زیارت، در همه ادیان وجود دارد و تفاوت در شکل آن و اشخاصی است که زیارت می شوند. (1)

زیارت در اسلام به صدر اسلام باز می گردد. پیامبرصلی الله علیه و آله همواره به زیارت قبور شهدای احد می رفتند و پیوسته برای زیارت قبور مؤمنان، رهسپار بقیع می شدند.(2)

در سیره عملی اهل بیت: نیز اهتمام ویژه ای به زیارت وجود دارد. امام علیه السلام می فرمایند:

وقتی رسول خدا را دفن کردند، حضرت فاطمه سلام الله علیها کنار قبر ایستاد، و مقداری از خاک قبر را برداشته و بر دیدگانش مالید و اشعاری بدین معنا سرود: چه باک کسی را که خاک کوی احمد ببوید و هرگز در طول زمان مُشک و عنبری را نبوید. مصیبت هایی بر من وارد شد، که اگر بر روز ها وارد می شد شب تاریک می گردید.(3) ایشان تا پایان عمر، زیارت قبر پیامبرصلی الله علیه و آله را ترک نکرد و پیوسته به زیارت قبر حمزهعلیه السلام می رفت و آن را بازسازی می کرد و سنگی بر آن می گذارد و در آنجا نماز می خواند و دعا می کرد و می گریست.(4)

1- زیارت در تمدن ها و ادیان دیگر، غلامرضا جلالی، نشریه زائر، ش۹۸، ص5.
2- وفاء الوفاء، علی بن احمد سمهودی، ج۳، صص۸۳۲ و ۸۹۰.
3- «ماذا علی من شمّ تربه أحمد أن لا یشمّ مدی الزمان غوالیا صُبّت علی مصائب لو أنّها صُبّت علی الأیّ-ام ع-دن لیالیاً» وفاء الوفاء، ج4، ص5 ۱4۰.
4- وفاء الوفاء، ج4، ص۹۳۲.

امیرالمؤمنین علیه السلام هر هفته قبر پیامبر خداصلی الله علیه و آله و فاطمه سلام الله علیها را زیارت می کردند. (1)امام حسین علیه السلام نیز هر جمعه هنگام غروب، مزار برادرش امام حسن مجتبی علیه السلام را زیارت می کردند. (2)

امام سجاد علیه السلام به زیارت مرقد امیرالمؤمنین علیه السلام می رفتند و در کنار قبر می ایستادند و می گریستند و این گونه زمزمه می کردند:

«السلام علیک یا امیرالمؤمنین ورحمه الله وبرکاته» . سپس گونه هایشان را روی قبر می نهادند. (3)

«شوکانی» ، از علمای اهل سنت، می گوید:

همواره کسانی که برای انجام مناسک حج (به مکه) می آمدند، پس از آن به قصد زیارت پیامبر به مدینه می رفتند و آن را افضل اعمال می دانستند و هیچ کس چنین کاری را انکار نمی کرد. (4)

«ابن ادریس حلّی» می نویسد:

زیارت مرقد رسول خداصلی الله علیه و آله از سنت های مورد تأکید و عبادت های بزرگ به شمار می آید، که در صورت امکان در هر جمعه یا ماهی یک بار یا سالی یک بار یا حداقل در مدت عمر یک بار به زیارت بیاید. (5)

«قسطلانی» می گوید: «بر زائر رسول خدا سزاوار است که زیاد دعا، تضرّع، استغاثه، طلب شفاعت و توسل به ذات پاک پیامبرصلی الله علیه و آله نماید» . (6)

1- موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام، مؤسسه الامام الهادی، ص ۱۰۰.
2- بحارالانوار، ج44، ص ۱5۰؛ موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام، ص ۱۰۱.

3- وسائل الشیعه، ج14، ص395؛ موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام، ص102.
4- موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام، ص106، به نقل از: نیل الاوطار، شوکانی، ج5، ص97.
5- موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام، ص106، به نقل از: نیل الاوطار، شوکانی، ج5، ص112، به نقل از: السرائر، ابن ادریس حلی، ج1، ص654.
6- البدعه فی مفهومها الاسلامی، ص45 (توسل و رابطه آن با توحید، حسین رجبی، ص26)

یکی از مشایخ شافعی به نام «عتبی» می گوید :

در کنار قبر پیامبرصلی الله علیه و آله نشسته بودم که اعرابی ای وارد شد و خطاب به رسول خدا عرض کرد: سلام بر تو ای رسول خدا؛ خداوند متعال فرمود: (وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاءُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِیماً) . آن گاه گریه کرد و اشعاری در مدح پیامبر سرود. (1)

«سمعانی» همین جریان را از زبان امام علی علیه السلام نقل می کند و می نویسد: «اگر این عمل جایز نبود، چرا صحابه، خصوصاً علی علیه السلام که در آن مکان حاضر بود آن را منع ننمودند» . (2)

شیخ مفید \ نیز می نویسد:

مسلمانان بر فضیلت زیارت قبر پیامبر خداصلی الله علیه و آله اتفاق نظر دارند و حتی روایت شده است کسی که حج به جا آورد و از روی عمد، پیامبرصلی الله علیه و آله را زیارت نکند، به ایشان جفا کرده است. (3)

«انس بن مالک» روایت می کند که پیامبر فرمود:

کسی که مرا بعد از وفاتم زیارت کند، مانند این است که در حال حیاتم زیارت کرده و هر کس بتواند مرا زیارت کند و چنین نکند هیچ عذری ندارد. (4)

علامه امینی در کتاب شریف «الغدیر» ، ۲۲ حدیث متواتر، مشابه حدیث مذکور، از کتب معتبر اهل سنت نقل کرده است و 4۲ کلام از

1- وفاء الوفاء، ج4، ص ۱۳6۱.
2- وفاء الوفاء، ج4، صص ۱۳6۱و۱۳6۲.
3- موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام، ص ۱۱۱، به نقل از: الفصول المختاره، ص ۱۳۰.
4- وفاءالوفاء، ج4، ص۱۳46.

ائمه اهل سنت در تأکید استحباب زیارت قبر پیامبرصلی الله علیه و آله می آورد و متون زیارت را نیز نقل می فرماید. (1)

«شیخ عبدالله شافعی» در فصل مبسوطی از کتاب خود، به بیان فضیلت و آداب زیارت امام حسین علیه السلام در کربلا می پردازد و بخشی از معجزه هایی را که از آن حرم دیده شده، نقل کرده و آنها را صحیح تلقی می کند. (2)

«ابن حجر عسقلانی» - از بزرگان اهل سنت - در کتاب «تهذیب التهذیب» به نقل از «حاکم نیشابوری» می نویسد:

ابوبکر محمد بن مؤمل بن حسن بن عیسی می گوید: به همراه پیشوایان اهل حدیث؛ ابوبکربن خزیمه و ابوعلی ثقفی و گروه زیادی از بزرگان، به زیارت قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام در طوس حرکت کردیم. وقتی به کنار قبر آن حضرت رسیدیم، ابن خزیمه به گونه ای در برابر بارگاه حضرت تعظیم و تواضع و تضرع نمود که همه ما تعجب کردیم. (3)

پیامبرصلی الله علیه و آله در عمره حدیبیه، قبر مادرش آمنه را زیارت نمودند و آن چنان گریستند که همه گریه کردند. (4)

عایشه به زیارت قبر برادرش عبد الرحمان - که در حُبشی وفات کرد و در مکّه دفن شد - می رفت. (5)

«ابن حِبّان» - از علمای اهل سنت، متوفی ۳5۰ه. ق. و صاحب کتاب ثقات - می گوید:

1- الغدیر، عبدالحسین امینی، ج5، صص۸6 و ۹۳ - 5 ۱۰.
2- الاتحاف بحبّ الاشراف، شیخ عبدالله شافعی، صص۷5 - ۱۰۰.
3- تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، ج۷، ص۳۳۹.
4- تاریخ المدینه المنوره، ابن شبه، ج ۱، ص۹4.
5- معجم البلدان، یاقوت حموی، ج۳، ص۲۱4.

بارها به زیارت قبر علی بن موسی الرضا رفتم. در مدتی که در طوس بودم. هر وقت مشکلی برایم پیش می آمد، به زیارت قبر آن حضرت می رفتم و از خدا می خواستم که مشکلم را حل کند والحمدلله مشکل بر طرف می شد. بارها امتحان کردم و نتیجه گرفتم. (1)

بنابراین، در طول تاریخ، همه مسلمانان، به ویژه شیعیان، به بزرگداشت اولیا توجه داشته اند و مزار آن بزرگواران، زیارتگاه دل باختگان بوده است.

۳. فلسفه زیارت اهل بیت علیهم السلام

وفاداری به اهل بیت علیهم السلام، نشانه وفاداری به حقیقت است و پیوند با عترت علیهم السلام، پیوند با قرآن و اسلام است. دوستی خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، اجر رسالت آن حضرت است و زیارت مزارشان، نشانه محبت به آنها است.

زیارت، نشانه احترام به مقام والا و ارزشمند خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، پیروی از راه و هدف هایشان، تجدید پیمان با آنها، وفاداری به ولایت شان و زنده نگه داشتن یاد و تعالیم آنها است.

در کتاب «ادب فنای مقربان» آمده است:

تعظیم، تکریم، گرامی داشت و یادکرد انسان های شایسته، فرهنگ ساز، نقش آفرین، مصلح، متحول کنندگان تاریخ و نیز زنده نگه داشتن نام و یاد آنها پس از مرگ، لازمه محبت، عشق و ارادت انسان به نیکی ها و کمالات است و ریشه در فطرت آدمی دارد. (2)

1- کتاب الثقات، ابن حبان، ج۸، صص456 و ۴57.
2- ادب فنای مقربان، عبدالله جوادی آملی، ج۲، صص۱۷ و ۱۸.

زیارت می تواند نمادی از علاقه و محبت درونی و نشانه دین داری باشد؛ چرا که دین چیزی جز محبت نیست. (1)

اگر در دوره زندگی پیامبرصلی الله علیه و آله، مردم برای طلب رحمت و مغفرت الهی به محضر ایشان می آمدند، پس از رحلت ایشان نیز این ارتباط ادامه دارد، چنانکه در زیارت آن حضرت می خوانیم:

وَاِذ لَم اَلحَقکَ حَیّاً فَقَد قَصَدتُکِ بَعد مَوتِک عَالماً أنَّ حُرمَتَک مَیتاً کَحُرمَتِکَ حَیّاً فَکُن لی بِذلک عِندَ اللهِ شاهِداً. (2)

اگر در زمان حیات شما موفق به دیدار شما نشدم، اکنون قصد زیارت شما کردم و اعتقاد دارم که احترام نهادن به شما بعد از مرگ، مانند احترام گذاردن زمان حیات تان است، پس نزد خدا بر احوال من شاهد باش.

به دیگر سخن، فلسفه اصلی زیارت، عمل به این آیه شریفه است:

« قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی » (شوری: ۲۳)

بگو من هیچ گونه اجر و پاداشی از شما بر این دعوت درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم.

آیت الله بهجت \ می گوید:

زیارت مشاهد ائمه علیهم السلام به منزله ملاقات آنها و دیدار حضرت حجت (عج) است. آنها در هر جا ناظرند. هرگاه انسان به یکی از آنها متوجه شود، مانند آن است که به همه آنها متوجه شده و همه را زیارت کرده است. (3)

1- امام باقر علیه السلام می فرماید: « هل الدّین الا الحبّ. . . اَلدّینُ هُوَ الحُبُّ والحُبُّ هُوَ الدِّینُ » ؛ وسائل الشیعه، ج16، ص ۱۷۱.
2- بحارالانوار، ج۹۷، ص۱62.
3- ره توشه زیارت، محمود اکبری، ص۳۷.

4. نقش اماکن زیارتی در ایجاد ارتباط با خدا

حضور در اماکن زیارتی و درک فضای معنوی آنها، انسان را به کمال الهی نزدیک می کند. ازاین رو، خدای بزرگ از انسان های باایمان خواسته است که برای نزدیک شدن به درگاهش، برای خود وسیله و اسباب فراهم آورند:

{یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسِیلَهَ } (مائده: 35)

ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و وسیله ای برای تقرب به او بجویید.

در تفسیر کلمه «وسیله» آمده است:

وسیله، عبارت از مقامی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد خدای خویش دارد و مردم به وسیله آن مقام می توانند به درگاه پروردگار تقرب جویند و آل طاهرینش و بعد از آنان صالحان از امتش به ایشان ملحق می شوند، همچنان که در بعضی از روایات آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله دست به دامن پروردگارش می زند و ما دست به دامن او (پیامبر) می زنیم و شما (شیعیان) دست به دامن ما می زنید. (1)

در دعای ندبه می خوانیم که خداوند اولیائش را وسیله و دست آویزی به سوی خود و خشنودی اش قرار داده است: «وَجَعَلتَهُم الذَّریعه اِلَیکَ وَالوَسیلَه إلی رِضوانِک». (2)

و در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است:

أَللَّهُمَّ عَبْدُکَ وَ زائِرُکَ مُتَقَرِّبٌ إِلَیْکَ بِزِیَارَهِ قَبْرِ أَخِی رَسُولِکَ وَ

1- تفسیر المیزان، محمدحسین طباطبایی، ج5، ص546.
2- مفاتیح الجنان، فرازی از دعای ندبه.

عَلَی کُلِّ مَأْتِیٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ وَ أَنْتَ خَیْرُ مَأْتِیٍّ وَ أَکْرَمُ مَزُورٍ. (1)

خدایا بنده و زائر توام؛ به واسطه زیارت قبر برادر پیامبرت، به تو نزدیک می شوم و بر هر کسی که بر میزبانی وارد شده و به زیارتش آمده، حقّی است و تو بهترین و با کرامت ترین زیارت شده هستی.

ازاین رو، رسول اکرمصلی الله علیه و آله می فرمایند: «کسی که مرا چه در حیات و چه پس از مرگم زیارت کند، در واقع خدا را زیارت کرده است» (2) .

از آنجا که پیامبر خداصلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام بندگان مقرب پروردگار بودند و مشمول عنایت ویژه خدای بی همتا قرار دارند، اتصال و توسل به ایشان چه در حیات و چه پس از رحلت، موجب نزدیکی به خدا می شود.

راه توسل به معصومین علیهم السلام، از آغاز آفرینش باز بوده است. پیامبراکرمصلی الله علیه و آله در این باره می فرمایند:

هنگامی که خدای متعال حضرت آدم علیه السلام را آفرید و روح در بدنش دمید، آدم به عرش الهی نگاه کرد و در جانب راست عرش الهی، پنج صورت نورانی را دید که بعضی از آنان در حال رکوع و برخی در حال سجده بودند. گفت: پروردگارا! آیا قبل از من کسی را به شکل من آفریده ای؟ خطاب شد: نه، گفت: پس این پنج نفر چه کسانی هستند؟ خطاب شد: ایشان پنج نفر از نسل تو می باشند. . . . ای آدم! هرگاه حاجت و

1- من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۳5۳.
2- بحارالانوار، ج4، ص۳.

خواسته ای پیش من داری، به این پنج تن متوسل شو و ایشان را شفیع قرار ده ! (1)

سپس پیامبر فرمود:

ما کشتی نجات هستیم، هرکس سوار شود، نجات خواهد یافت و هرکس تخلّف کند، هلاک خواهد شد. هرکس نزد خدا، خواسته ای داشته باشد، باید ما را وسیله و واسطه قرار دهد. (2)

همان گونه که گفته شد، توسل به پیامبر خداصلی الله علیه و آله تنها مربوط به زمان حیات ایشان نیست.

«سمهودی» می نویسد: «شخص گرفتاری در زمان عثمان، کنار قبر پیامبر آمد و نماز خواند و این چنین دعا کرد:

اللّهُمَّ إنّی أَسأَلُکَ وَأتَوَجَّه إلَیک بِنَبیِّنا مُحَمّد [صلی الله علیه و آله] نَبِیّ الرَّحمه، یا محمَّدُ إنّی أتَوَجَّهُ بِکَ إلی رَبِّکَ أن تَقضِیَ حاجَتی.

خدایا من از تو تقاضا می کنم و به وسیله پیامبرمان محمد [صلی الله علیه و آله] پیامبر رحمت، به سوی تو توجه می کنم. ای محمد! من به وسیله تو متوجه پروردگارت می شوم، تا خواسته ام را برآورده سازی (مشکلم حل شود) .

مدت کوتاهی نگذشت و مشکل او حل شد» . (3)

نظیر همین حادثه در زمان پیامبرصلی الله علیه و آله نیز اتفاق افتاد و حضرت به شخصی جمله های ذکر شده را آموخت و آن شخص با گفتن آنها،

1- بحارالانوار، ج15، ص14؛ ج ۲۱، ص ۳۱۱.
2- تفسیر آسان، محمدجواد نجفی خمینی، ج4، ص156.
3- وفاء الوفاء، ج4، ص۱۳۷۳.

خواسته اش برآورده شد. (1) از امام شافعی درباره اهل بیت علیهم السلام و توسل به ایشان دو بیت شعر نقل شده که ترجمه آن، چنین است: «آل پیامبر وسیله من به سوی خدا هستند، امیدوارم به وسیله آنها، فردای قیامت، نامه عملم به دست راستم داده شود» . (2) و (3)

«ابوعلی خلال» ، یکی از بزرگان مذهب حنبلی، می گوید:

هیچ امر مهمی برای من اتفاق نیفتاد، مگر اینکه به زیارت قبر موسی بن جعفر رفتم و به او متوسل شدم؛ خداوند آن چه را می خواستم، به آسانی در اختیار من گذاشت. (4)

5. زیارت و تعظیم شعائر دینی

زیارت اولیای خدا و حضور در اماکن زیارتی، موجب تعظیم شعائر دین و یکی از راه های عمل به این آیه شریفه است که می فرماید:

«ذلِکَ وَ مَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللَّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوبِ» (حج:۳۲)

این است]مناسک حج [و هرکس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل ها (ی آنها) است.

بسیاری از تفاسیر، منظور از شعائر را در این آیه، مناسک حج می دانند، اما برخی آن را به صورت مطلق تفسیر کرده اند.

1- وفاء الوفاء، ج4، ص۱۳۷۳.
2- آلُ النَّبیِّ ذَریعَتی وَ هُم إلَیهِ وَسیلتی أرجو بِهِم أُعطِی غداً بِیَدی الیَمینِ صَحیفتی
3- الصواعق المحرقه، احمد بن حجر الهیثمی، ص۱۷۸.
4- تاریخ بغداد، احمد بن علی الخطیب البغدادی، ج ۱، ص۱۳۳.

در تفسیر نمونه آمده است:

تمام آن چه در برنامه های دینی وارد شده و انسان را به یاد خدا و عظمت آیین او می اندازد، شعائر الهی است و بزرگداشت آن، نشانه تقوای دل هاست. (1)

بنابر این تفسیر، زیارت اولیای خدا از بزرگ ترین شعائر دینی به شمار می رود.

همچنین در تفسیر هدایت می خوانیم:

شعائر، ازشعیره به معنای نشانه ای است که بر چیزی دلالت دارد و شعائر خدا، همان فرایض دینی است که بر بزرگی و عظمت پروردگار گواه است، مانند: مناسک و آداب حج، جمعه و نماز جماعت و دیگر مظاهر و نمادهای یکتاپرستی که نشانه است. (2)

6. زیارت با معرفت

شناخت مقام و موقعیت زیارت شونده، موجب کمال زیارت است. زائری که خود را در محضر امام نمی بیند، درک حضور نمی کند، حال آن که در زیارت کامل، زائر، امامش را با چشم دل مشاهده می کند.

چشم دل باز کن که جان بینی آن چه نادیدنی است آن بینی

زائری که فقط ضریح، در، دیوار و مردم را می بیند، بهره اندکی از زیارت می برد. ازاین رو، در بسیاری از احادیث، نسبت به معرفت زائر تأکید شده است.

1- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج14، ص۹۷.
2- تفسیر هدایت، سید محمدتقی مدرسی، ج۸، ص 6۰.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: «آن کس که از ما و مقام ما شناخت و آگاهی نداشته باشد، وارد بهشت نخواهد شد» . (1)

امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند:

کسی که با شناخت نسبت به جایگاه و حق امام حسین علیه السلام به زیارتش برود، مانند آن است که در عرش، خدا را ملاقات کرده است. (2)

همچنین امام جواد علیه السلام درباره شناخت امام فرموده اند: «شناخت آن است که بداند امام، حجت خدا برای مردم است» . (3)

البته شناخت افراد از مقام اهل بیت علیهم السلام متفاوت است:

الف) گاهی معرفت آن قدر تکامل می یابد که شخص را به درجه اولیا و شیعیان خاص ائمه علیهم السلام می رساند، مانند سلمان فارسی.

ب) گاهی معرفت در این حدّ است که فرد فقط کمالات و مدارج عالی آنها را می فهمد؛ این معرفت مخصوص عرفا، حکیمان و فقیهان است.

ج) گاهی معرفت در حدّ اقرار به امامت است؛ این معرفت را مردم عادی به اندازه استعداد خود دارا هستند.

شناخت اهل بیت علیهم السلام، امتیازهایی را به انسان می بخشد:

الف) به عبادت ها، اعمال و تلاش های انسان، اصالت و محتوا می دهد.

ب) او را در مسیر تکامل و قرب خداوند یاری می رساند.

ج) از گرفتار شدن وی در انحراف های عقیدتی و فکری جلوگیری می کند.

1- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.
2- بحارالانوار، ج۹۸، ص۷۷.
3- بحارالانوار، ج۹۹، ص۳۷.

مرحوم بیدآبادی، از عارفان برجسته، در ضرورت معرفت زائر چنین می گوید:

بر تو لازم است که تلاش کنی شرایط و آداب زیارت را به طور کامل انجام دهی و آن کس را که به زیارتش رفته ای، تعظیم نمایی و حرمت حرمش را نگه داری. . . و مواظب باش که در خواندن زیارت نامه دروغگو نباشی؛ آنجا که می گویی «شهادت می دهم که شما جایگاه مرا می بینی و سخنان مرا می شنوی» ، زائر باید حق زیارت شونده را بشناسد و به او اقتدا کند و از خداوند بخواهد به واسطه او صاحب فیض و کرامت شود. (1)

شناخت مقام امام به ادب زائر بستگی دارد و اینکه خواسته هایش را با کمال ادب و حفظ جایگاه ایشان به زبان آورد.

شخصی می گوید:

از گیلان به زیارت امام رضا علیه السلام رفته بودم. پس از مدتی توقف در مشهد، پولم تمام شد. پیش خود حساب کردم تا بازگشت به گیلان به پانصد تومان پول نیاز دارم. به حرم حضرت رضا علیه السلام رفتم و از ایشان درخواست کمک کردم، اما با گذشت مدتی از آن درخواست، جوابی دریافت نشد. دوباره به حرم رفتم و عرض کردم: آقا جان! من گدای متکبری هستم، این بار هم احتیاج خود را می گویم، اگر عنایتی نفرمایی، دیگر درخواست نخواهم کرد؛ ولی خواهم گفت که امام رضا مهمان نواز نیست. از حرم خارج شدم؛ شیخی مرا صدا زد و

1- نشریه زائر، ش46 ۱، ص۹.

گفت: «چرا این قدر جسورانه در حضور امام سخن گفتی؟ ! شایسته نیست چنین بی ادب و گستاخ باشی!» . سپس پاکتی به من داد. به خانه آمدم و پاکت را گشودم، با کمال تعجب دیدم که پانصد تومان در آن است. بعدها فهمیدم که آن شیخ، مرحوم «حسنعلی نخودکی» بوده است. (1)

۷. زیارت، اظهار وفاداری نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام

شیعیان نسبت به هریک از معصومین علیهم السلام تعهدی دارند که کمال وفاداری به آن، زیارت مشتاقانه و با معرفتِ قبورِ آن بزرگواران است. امام رضا علیه السلام می فرمایند:

انَّ لِکُلّ امامٍ عهداً فی عُنُقِ أولیائِه و شیعَتِه وإنَّ مِن تَمامِ الوَفاءِ بالعَهد وَحُسن الأداءِ زیاره قبورِهم فَمَن زارَهُم رَغبَهً فی زیارَتِهم وَتَصدیقاً بِما رَغِبوا فیه کان أئِمَّتُهم شفعائَهُم یَومَ القیامَه. (2)

هر امامی بر دوستان و شیعیانش عهدی دارد و زیارت قبورشان، از مصادیق وفای به عهد و حسن ادای وظیفه به شمار می رود. بنابراین، کسی که از روی رغبت و اشتیاق به زیارت ایشان برود، ایشان در روز قیامت شفیع او خواهند بود.

این حدیث بیانگر نکات زیر است:

الف) زیارت قبر امام، نشانه وفاداری و تعهد به مقتدا و پیشواست. بلال حبشی در دوران اقامتش در شام، پیامبرصلی الله علیه و آله را در عالم خواب دید که به

1- ره توشه زیارت، صص۳۷ و ۳۸.
2- من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص5۷۷.

او می فرمایند: «ای بلال! این چه جفایی است؟ ! آیا هنگام آن نرسیده که به زیارت من بیایی؟» در این رؤیا، ترک زیارت قبر مطهر پیامبرصلی الله علیه و آله، جفای بر ایشان معرفی شده است؛ در نتیجه، زیارت ایشان وفای به عهد خواهد بود.

ب) زیارت باید همراه با رغبت، شوق و عشق قلبی باشد؛

«رغبه فی زیارتهم» .

ج) زیارت باید همراه با تصدیق قلبی به چیزهایی باشد که مورد علاقه زیارت شونده بوده و در راه آن فداکاری کرده است. (1)

1- ادب فنای مقربان، ج ۱، صص۲۹ و ۳۰.

فصل دوم: آثار زیارت

1. آثار دنیایی

الف) رفع مشکلات

رفع مشکلات و برآورده شدن حوائج مادی از فواید و برکات تشرّف به اماکن زیارتی است. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت کند، خداوند متعال خواسته هایش را برآورده می سازد و آن چه از دنیا مقصود اوست، بر او کفایت می کند. (1)

همچنین فرموده اند:

کسی که به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام می رود.... هنگامی که به آنجا می رسد، خدای متعال خطاب به او می فرماید: بنده ام! از من بخواه، به تو عطا می کنم. مرا بخوان تا اجابتت کنم. از من طلب کن تا به تو بدهم و حاجتت را از من بخواه تا برآورده سازم.(2)

1- کامل الزیارات، ص۲46.
2- کامل الزیارات، صص۲5۳و۲54.

روزی عربی به خاطر احتیاج، به خانه امام حسن علیه السلام رفت؛ ایشان فرمودند: «هرچه در خانه من هست به او بدهید» . بیست هزار درهم در خانه بود که همه را به او دادند. اعرابی گفت: «آقای من! نمی خواستی نیازم را به زبان آورم؟» امام فرمود:

ما مردمی هستیم که بخشش فراوان داریم و همواره امید و آرزو را برآورده می کنیم و پیش از آنکه کسی از ما بخواهد، می بخشیم؛ چون ارزش آبروی درخواست کننده را می دانیم. (1)

مرحوم صدوق \ می نویسد:

مردی از اهالی بلخ، با غلام خود به زیارت امام رضا علیه السلام مشرّف شد. پس از خواندن زیارت نامه، مرد بلخی به طرف بالاسر ضریح رفت و غلام به طرف پایین قبر امام. هر دو به نماز ایستادند و پس از نماز به سجده افتادند و سجده شان طولانی شد. مرد بلخی زودتر سر از سجده برداشت و غلامش را صدا زد و گفت: «می خواهی تو را آزاد کنم؟» گفت: «بله» . گفت: «تو را آزاد کردم و فلان کنیز را نیز آزاد کردم و با این مقدار مهریه به عقد تو درآوردم و خودم ضمانت می کنم که مهریه اش را بدهم و قطعه زمینی، وقف شما و فرزندان تان کردم و امام رضا علیه السلام را بر این امر شاهد می گیرم» . غلام به گریه افتاد و قسم یاد کرد که در سجده، همین درخواست ها را کرده است و صاحب این قبر، به این زودی حاجتش را محقق ساخت. (2)

1- زندگی دوازده امام، هاشم معروف الحسینی، ج ۱، ص6 ۰5.
2- عیون اخبار الرضا، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) ، ج۲، ص5۳5؛ امام رضا علیه السلام، میر خلف زاده، ص ۱5۱، به نقل از: نرم افزار «هدایت در حکایت» .

ب) افزایش روزی و طول عمر

یکی از آثار دنیوی زیارت، افزایش روزی و طولانی شدن عمر است. امام باقر علیه السلام می فرمایند: «شیعیان ما را به زیارت قبر حسین بن علی علیهما السلام امر کنید؛ چون زیارت آن حضرت، رزق و روزی را زیاد می کند» . (1)

ج) وسیله برکت و صحت

مکان های زیارتی - به خصوص مرقد پیشوایان معصوم علیهم السلام - مرکز توجه انسان هایی است که از همه جا قطع امید کرده و رو به سوی ایشان آورده اند. در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

السّلامُ عَلیکُم یا اهل بیت النّبوه. . . واُصُولَ الکَرمِ. . . وکَهفِ الوَری.

سلام بر شما اهل بیت پیامبر که. . . ریشه های کرامت. . . و پناه گاه مردم هستید.

سرّ اینکه در جمله مزبور، ائمه علیهم السلام ریشه های کرامت معرفی شده اند، این است که تمام خیرات و برکات موجود در نظام هستی، اعم از مادی و معنوی، به واسطه ایشان به مردم می رسد. (2)

امام صادق علیه السلام در جواب نامه «محمد بن حسن بن شمون» نوشتند: «ما پناه برای کسی هستیم که به ما پناه می آورد» . (3) ازاین رو، بیماران در ابتدای امر یا پس از قطع امید به ایشان پناه می آورند و دست به دعا و توسل بر می دارند. در سیره اهل بیت علیهم السلام نیز آمده است که برای رفع

1- کامل الزیارات، ص۲۸4.
2- ادب فنای مقرّبان، ج ۱، ص۲۰۲.
3- بحارالانوار، ج5، ص۲۹۹.

بیماری به اجداد خویش متوسل می شدند.

«ابوهاشم جعفری» می گوید:

زمانی که امام هادی علیه السلام بیمار بود به نزدش رفتم؛ فرمود: ابوهاشم! کسی از دوستان ما را به «حائر حسینی» (1)بفرست تا برای (شفای) من دعا کند. . . خداوند متعال بقاع و جایگاه هایی دارد که می خواهد در آن جایگاه ها (او) خوانده شود تا دعای دعاکننده را مستجاب فرماید و حائر، از جمله این مواضع است» . (2)

مرحوم سید علی آقا قاضی \ - استادِ علامه طباطبایی \ و آیت الله بهجت \ - می فرمود: «هرکه برای اولین بار به زیارت امام رضا علیه السلام برود، سه حاجتش برآورده می شود» .

فرزند مرحوم قاضی می گوید:

من از ایشان پرسیدم، آیا شما در نخستین تشرّفتان به زیارت امام رضا علیه السلام، مورد عنایت ایشان واقع شدید یا نه؟ ایشان گفت: من مبتلا به نِقْرِس (3) بودم و این بیماری ده سال طول کشید؛ تا جایی که راه رفتن برای من بسیار دشوار شده بود و با تکیه بر عصا راه می رفتم. . . هنگام ورود به مشهد، جهت شستن و پانسمان موضع بیماری به حمام رفتم. هنگام پانسمان متوجه مایع سیاه رنگی مثل زغال شدم که از محل زخم خارج شد. این همان چیزی بود که عامل اصلی درد پاهایم بود وخارج شدن

1- محدوده اطراف ضریح امام حسین علیه السلام و زیر گنبد را «حائر حسینی» می گویند.
2- کامل الزیارات، صص 459 و 458.
3- بیماری که به انهدام مزمن مفاصل یا تشکیل سنگ در کلیه منجر می شود.

آن سبب بهبود من شد. چون پاهایم را تکان دادم، متوجه شدم هیچ دردی ندارم و پاهایم سالم هستند و احتیاجی به عصا ندارم. آن را از کرامات امام رضا علیه السلام دانستم. (1)

بسیاری از کسانی که به حرم اهل بیت علیهم السلام برای طلب شفا مشرف می شوند، شفا می یابند. در حرم امام رضا علیه السلام و حرم حضرت معصومه سلام الله علیها بخش ویژه ای به شفایافتگان اختصاص دارد که همه اتفاق های مربوط به شفا یافتن را بررسی و ثبت می کنند.

د) آرامش روح

وقتی انسان به زیارت معصومین علیهم السلام می رود، احساس آرامش روحی و معنوی می کند. زیارت آرام بخش دل هاست. امام صادق علیه السلام به «فضیل بن یسار» فرمودند:

در اطراف شما قبری است (امام حسین علیه السلام) که هیچ اندوهگینی آن را زیارت نمی کند، مگر آنکه حق تعالی حزن و اندوهش را برطرف و حاجتش را برآورده می سازد. (2)

اگر زائر با کمال خلوص، اسرار و مشکلاتی را که از نزدیک ترین کسان خود می پوشاند، با زیارت شونده در میان بگذارد و یقین کند که او شفیع و مقرب درگاه الهی است، از دردهای روحی درمان می یابد و توان و نشاط او بیشتر می شود. بر این اساس روان شناسان، زیارت را برای آرامش روح مؤثر می دانند.

وقتی انسان توفیق زیارت می یابد، از فضای روحانی آن مکان مقدس

1- نشریه زائر، ش145، ص۱۹.
2- کامل الزیارات، ص۳۱۲.

تأثیر می پذیرد. اشک، نخستین گام زیارت است؛ زیرا گریستن تجلی طبیعی یک احساس است. عرفا معتقدند کمترین بهره زیارت و عبادت، حالت حزن و گریستن است که به آرامش و رضایتمندی از زندگی می انجامد. (1)

علامه طباطبایی \ می فرمود: «حرم مطهر امام رضا علیه السلام دارالشفای آل محمدصلی الله علیه و آله است، هرکس برای رفع بیماری خود نزد طبیب می رود، امام رضا علیه السلام هم طبیب الاطباست» . (2)

پیامبر خداصلی الله علیه و آله درباره زیارت امام رضا علیه السلام در حدیثی بشارت می دهند:

به زودی پاره تن من (امام رضا علیه السلام) در خراسان دفن می شود. هیچ اندوهگینی او را زیارت نمی کند مگر اینکه خدای تعالی اندوهش را برطرف می کند و هیچ گناهکاری او را زیارت نمی کند مگر اینکه خدای متعال گناهش را می بخشد. (3)

ه) سبب تقرب به خداوند

زیارت، تجدید پیمان با بندگان خالص خداوند است و زمینه کسب صفات شایسته، عامل رشد معنوی و نزدیکی به خدا می شود. وقتی در زیارت، انسان گناه کار با توجه قلبی، در برابر انسان کامل قرار می گیرد، موجب تقرب و کمال او می شود. بنابراین، زیارت اولیای خدا، راهی برای تقرب به خداوند است. چنان که در زیارت جامعه کبیره می خوانیم:

«مُتِقرِّبٌ بِکُم إلَیه» ؛ «به واسطه شما به خدا تقرب پیدا می کنیم» .

1- نشریه حمایت، ش۱۷۲، آذر ۱۳۸4؛ روان شناسی زیارت، مهدی خلیلی.
2- خورشید اهل دل، سید جلال رضوی، ص۱۳۲.
3- من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص5۸۳؛ وسائل الشیعه، ج14، ص55۳.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

از پدرم شنیدم به یکی از دوستانش که از زیارت (قبر امام حسین علیه السلام) سؤال کرده بود، فرمودند: «با این زیارت قصد تقرّب به چه کسی را داری؟» عرض کرد: قصدم تقرّب به خدا می باشد. حضرت فرمودند: «کسی که به دنبال زیارت، یک نماز خوانده و با این نماز قصد تقرّب به خدا را داشته باشد، در روزی که خدا را ملاقات می کند بر او نوری احاطه می شود که تمام اشیائی که او را می بینند صرفاً، نور مشاهده می نمایند. . . (1)

ابوسعید ابوالخیر از شیخ الرئیس ابوعلی سینا، درباره زیارت پرسید و ایشان چنین پاسخ داد:

در این هنگام ذهن ها صفای زیادتری پیدا می کنند، خاطره ها با تمرکز شدیدتری جلوه می کنند و باعث نزدیکی به خداوند می شوند. (2)

و) افزایش محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام

حضور در حرم و برقراری ارتباط معنوی، سبب افزایش محبت در دل زائر می شود و او را به وجد می آورد. زائر با خواندن متن زیارت نامه، با همه وجود، بزرگواری و مهربانی زیارت شونده را درمی یابد و تلاش صادقانه آنها برای رساندن انسان به منزل درستکاری و رستگاری را درک می کند. در نتیجه، محبت آن بزرگواران در قلبش بیشتر می شود. خداوند متعال

1- کامل الزیارات، ص۲۳۸.
2- زیارت، جواد محدثی، ص ۱48.

درباره مهربانی های پیامبر اکرمصلی الله علیه و آله به امت خویش، می فرمایند:

«لَقَدْ جاءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِکُمْ عَزِیزٌ عَلَیْهِ ما عَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیْکُمْ بِالْمُؤْمِنِینَ رَؤُفٌ رَحِیمٌ» (توبه: ۱۲۸)

به یقین پیامبری از میان شما به سوی تان آمد که رنج های شما بر او سخت است و اصرار بر هدایت شما دارد و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است.

معصومین علیهم السلام از نور واحدی خلق شده اند. همه آنها با پیروان و شیعیان خود مهربان بودند و برای رساندن آنان به کمال، بسیار کوشیده اند. زائر با حضور در حرم و گوش جان سپردن به ترنم عاشقانه زیارت نامه، جایگاه و وابستگی خود را از نظر فکری، اعتقادی، سیاسی، اخلاقی و اجتماعی درمی یابد. همچنین می فهمد که اگر در زمان حیات زیارت شونده حضور داشت، در کجا، کنار چه کسانی و با چه کسانی نبرد می کرد. (1)

۲. آثار اخروی

الف) نعمت های بهشتی

اولیای الهی در پیشگاه خداوند متعال مقامی ممتاز دارند. فضای حاکم بر بارگاه ایشان بسیار عطرآگین است و روح و جان را باصفا می سازد. هریک از این مکان ها، قطعه ای از بهشت است و انسانی که توفیق حضور در آنها را می یابد، از پاداش های مادی و معنوی، بسیار بهره مند می شود. یکی از این پاداش ها، نعمت های بهشتی است.

1- ادب فنای مقربان، ج ۱، ص64.

شخصی از امام جواد علیه السلام پرسید: «پاداش کسی که با انگیزه، به زیارت رسول خداصلی الله علیه و آله می رود چیست؟» حضرت فرمودند: «بهشت برای اوست» . (1)

ابوبصیر نیز می گوید:

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام شنیدم که فرمودند: کسی که دوست دارد محل سکونت و منزلش بهشت باشد، زیارت مظلوم را ترک نکند. سؤال شد: مظلوم کیست؟ فرمود: مظلوم، حسین بن علی علیه السلام است. کسی که به دلیل شوق به آن حضرت و محبت رسول خداصلی الله علیه و آله و فاطمه سلام الله علیها و حبّ به امیرالمؤمنین، امام حسین علیه السلام، را زیارت کند، خداوند او را بر سفره های بهشتی می نشاند که با آن بزرگواران هم غذا شود، در حالی که مردم هنوز در حساب هستند. (2)

ب) شفاعت اهل بیت علیهم السلام

برای زائر در دیدار ولی خدا حقی است که ایشان درصدد ادای آن برآیند. یکی از جاهایی که این حق ادا می شود، قبول شفاعت است. پیامبرخداصلی الله علیه و آله می فرمایند:

هرکس برای اعمال حج به مکه برود، سپس مرا در مدینه زیارت نکند، من نیز در قیامت به او جفا خواهم کرد و کسی که مرا زیارت کند، شفاعت من نصیبش می شود و کسی که از شفاعت من بهره مند شود، بهشت بر او واجب می گردد. (3)

1- کامل الزیارات، ص4۲.
2- کامل الزیارات، ص۲6۹.
3- کامل الزیارات، ص44؛ کتاب المزار، ص۱4۸.

ج) آمرزش گناهان

گناه موجب قساوت قلب، تیرگی روح و دل مردگی انسان می شود. آمرزش گناه یعنی زدودن این آثار ناپسند از روح گناهکار. حضور در پیشگاه مقربان الهی زمینه ساز رحمت و مغفرت الهی است و در نتیجه، آثار زیان بار گناه از جان و روح او زدوده می شود.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

کسی که به زیارت قبر حسین علیه السلام برود، در حالی که به حق آن حضرت عارف باشد، خداوند متعال گناهان گذشته و آینده اش را می بخشد. (1)

همچنین فرموده اند:

امام حسین علیه السلام از محضر رسول خداصلی الله علیه و آله پرسید: پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟ فرمود: فرزندم! کسی که من را زیارت کند در زمان حیات یا بعد از مرگم، یا پدرت را زیارت کند، بر خدای متعال است که او را روز قیامت زیارت کند و او را از گناه برهاند. (2)

د) ایمنی از عذاب

زیارت کسانی که قرب شان قرب خدا، اطاعت شان اطاعت خدا، محبت شان، محبت خدا و خشم شان خشم خداست، آثار و برکات فراوانی دارد که یکی از آنها ایمنی از عقوبت و عذاب است. چنان که پیامبرخداصلی الله علیه و آله در پاسخ به پرسش امام حسین علیه السلام فرمودند:

1- کامل الزیارات، ص۲6۲.
2- کامل الزیارات، ص ۴۰.

کسی که مرا در حال حیات یا بعد از مرگم زیارت کند یا به زیارت تو و برادرت بیاید، بر من لازم است که در روز قیامت به زیارتش بروم تا او را از عذاب گناهش برهانم. (1)

ه) ایمنی از هراس و وحشت روز قیامت

ارتباط با انسان کامل و حضور در کنار قبر او سبب تکامل معنوی می شود، گنجایش روح را بالا می برد و موجب رأفت و رحمت الهی می شود. همچنین با توجه به سیره اهل بیت علیهم السلام، هرکس به زیارت ایشان می رود، در صدد جبران بر می آیند و این خود، مایه بهره مندی از توجه الهی و ایمنی از ترس و وحشت در لحظات دهشت انگیز روز قیامت می شود.

رسول خداصلی الله علیه و آله می فرمایند: «کسی که من، یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، روز قیامت به زیارت او می آیم و وی را از وحشت های آن روز می رهانم» . (2)

و) گذشتن از صراط

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

از پدرم شنیدم که به یکی از دوستانشان فرمودند:

زائر امام حسین علیه السلام. . . پس از سیراب گشتن از حوض کوثر به جایگاهش در بهشت بر می گردد، در حالی که فرشته ای از سوی امیرالمؤمنین علیه السلام با اوست که به صراط امر می کند که

1- کامل الزیارات، ص ۴۰.
2- کامل الزیارات، ص ۴۱.

برای وی پایین بیاید و با او مدارا کند تا از روی آن بگذرد و به آتش جهنم فرمان می دهد که حرارت و سوزشش را به او نرساند تا وی از آن گذر کند و نیز با او فرستاده ای است که امیرالمؤمنین علیه السلام، آن را فرستاده است. (1)

ز) همسایگی با رسول خداصلی الله علیه و آله

شوق زیارت اهل بیت علیهم السلام و تشرف به بارگاه آن بزرگواران، موجب می شود تا زائر در سرای دیگر در جوار ایشان باشد. از رسول خداصلی الله علیه و آله در این باره نقل شده است: «کسی که در حال حیات یا پس از مرگم مرا زیارت کند، روز قیامت در همسایگی من خواهد بود» . (2)

1- کامل الزیارات، صص ۲۳۹ و ۲۳۸.
2- کامل الزیارات، ص45.

فصل سوم: آسیب های زیارت

اشاره

آموزه ها و دستورهای دینی، هنگامی راه گشاست و انسان را به کمال می رساند که بدون هیچ گونه تغییر و تصرفی از آنها پیروی شود. ولی متأسفانه تعالیمی که از امامان معصوم: به ما رسیده است، در برخی موارد با کاستی ها و افزوده هایی همراه است. درواقع آن گونه که آنان تعلیم داده اند، محقق نشده است. چه بسیار دعاهایی که تحریف یا زیارت نامه هایی که خواسته یا ناخواسته دستخوش تغییر شده اند.

زیارت، عملی مستحب است که در روایت های بسیاری بر آن تأکید زیادی شده است. امروزه این عمل عبادی بسیار مهم، مانند برخی از دستورهای دینی با آسیب هایی همراه است که در این بخش، به مهم تریںِ آنها اشاره می کنیم.

زیارت و خرافات

خرافه، در لغت به معنای سخن بیهوده و حرف ناحق و باطل است. (1) در اصطلاح به باورها و سخنان باطل یا کارهای دور از عقل گفته می شود که

1- المنجد، احمد بندر ریگی، ج ۱، ص۳۷۹.

ناشی از ترس های بی اساس و پدیده های مرموز است و به شکل های گوناگونی در اجتماع بروز می کند. رونق و رکود خرافات، رابطه مستقیمی با پسرفت یا بالندگی فکری جوامع بشری دارد.

مهم ترین عوامل پیدایش تفکر خرافی:

۱. جهل آمیخته با ترس و نگرانی از رویدادهای طبیعی؛ مانند: توفان، خشکسالی، بروز بیماری های سخت و درمان نشدنی.

۲. تقلید کورکورانه: افرادی که بدون اندیشه و بررسی دقیق بعضی از جریان ها، کورکورانه از دیگران تقلید می کنند، در صورتی که اگر خردورزانه به این گونه حادثه ها بنگرند، برداشت نادرستی از آنها نخواهند داشت و به خرافات روی نخواهند آورد.

۳. سودجویی افراد شیاد: عده ای افراد سودجو با سوءاستفاده از نادانی و سادگی برخی مردم، به ترویج خرافات می پردازند.

بدترین ویژگی خرافه ها این است که آسان به وجود می آیند، ولی به دشواری از بین می روند. اسلام از همان ابتدا با خرافه ها به مبارزه برخاست و جامعه آن روز را که سخت اسیر توهم های بی اساس بود، به خردورزی دعوت کرد.

اسلام، تنها دینی است که مبارزه منطقی، فراگیر و پی گیر را با انواع رفتارهای غیرمنطقی آغاز کرد. خداوند در این آیه درباره وضعیت آن زمان می فرماید:

«وَ إِذا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا ما أَنْزَلَ اللَّهُ قالُوا بَلْ نَتَّبِعُ ما أَلْفَيْنا عَلَيْهِ آباءَنا أَ وَ لَوْ كانَ آباؤُهُمْ لا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَ لا يَهْتَدُونَ» (بقره: ۱۷۰)

هنگامی که به آنها گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده است

پیروی کنید؛ می گویند: نه ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می کنیم. آیا اگر پدران آنها چیزی نمی فهمیدند و هدایت نیافتند [باز از آنها پیروی خواهند کرد؟]

در آیات دیگری (1) نیز به مواردی از خرافه پرستی و رفتارهای دور از عقل و منطق کفار اشاره می کند و ایشان را به پیروی از پیامبران دعوت می نماید.

سیره پیامبر و امامان علیهم السلام نیز، مبارزه صریح و جدی با این پدیده بوده است، چنان که همزمان با مرگ ابراهیم، فرزند پیامبر، خورشید گرفت و مردم، گرفتگی خورشید را نشانه عظمت پیامبر دانستند و گفتند: خورشید در مرگ ابراهیم غمگین شد. پیامبر بی درنگ و پیش از دفن ابراهیم مردم را به مسجد دعوت نمود و سخنرانی کرد و فرمود:

آفتاب و ماه دو نشانه بزرگ از قدرت بی پایان خدا هستند که هرگز برای مرگ یا زندگی کسی نمی گیرند؛ هر وقت خورشید یا ماه گرفت، نماز آیات بخوانید. (2)

ایشان با این سخنان مردم را از خرافه گویی بازداشتند. ایشان همچنین در نهی از خرافه گویی فرمود:

کسی که به سوی جادوگر یا کاهن (پیشگو) یا دروغ گو برود تا گفته های او را تصدیق کند، به کتاب های آسمانی که خداوند نازل فرموده، کافر شده است. (3)

باکمال تأسف، امروزه خرافه ها چشمه زلال زیارت را نیز آلوده کرده اند

1- ر. ک: یس: ۱۹و۱۸؛ نمل: ۴7.
2- بحارالانوار، ج ۲۲، صص155 و 156.
3- سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ج۷، ص55۱.

و نهاد انسان ها با اندیشه های شخصی، اوهام و عادت های نادرست آمیخته شده است. در میان مسلمانان، عده ای که تفکر عامیانه دارند، با بستن قفل و گره زدن ریسمان به درها و پنجره بقاع متبرکه یا «گرویی برداشتن» از این مکان ها، به توسل و استغاثه می پردازند. روشن است که این کارها، بیهوده و خرافه است، حال آنکه شیوه درست توسل و طلب حاجت، در روایات و سیره اهل بیت علیهم السلام و بزرگان دین تبیین شده است .

عده ای نیز در برخی اماکن زیارتی در حاشیه کتاب های زیارتی چنین می نویسند: «هرکس این مطلب را بخواند، باید پنج بار از روی آن بنویسد و تکثیر کند، در غیر این صورت. . .» بعضی افراد نیز بدون هیچ اندیشه و تأملی به آن عمل می کنند، در حالی که این گونه مطالب، هم ترویج دروغ است و هم از نظر شرع حرام، همچنین تصرف نادرست در اموال این مکان ها است که عملی حرام خوانده می شود.

همچنین گاهی دیده می شود در اطراف مکان های زیارتی معصومین و امام زادگان، با دروغ و فریب کاری به سوءاستفاده از باورهای مردم می پردازند و بعضی روضه های دروغ و زیارت نامه های جعلی می خوانند. در برخی از اماکن زیارتی نیز شمع فروشی و روشن کردن شمع با آداب ویژه ای رونق زیادی دارد. در گوشه ای از اماکن، محلی را برای این کار اختصاص می دهند و شمع های نذری را در آنجا روشن می کنند.

در یکی از شهرهای ایران عده ای برای نیازهایی چون بخت گشایی به زیارتگاه شهر می روند، مقداری حنا خیس می کنند و آن را به سه بخش تقسیم می کنند. هر بخش را در ظرفی جداگانه می ریزند و با سه عدد شمع به سقاخانه شهر می برند. هریک از شمع ها را در یکی از ظرف ها قرار

می دهند و صلوات می فرستند. (1)

خاک برداشتن از برخی مکان های مقدس نیز به قصد تبرک، کاری است که موجب سوء استفاده دشمنان و مخالفین می گردد، و از روایت ها چنین برداشت می شود که تنها خاک قبر امام حسین علیه السلام امتیاز و اثر دارد.

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «خداوند در مقام شهادت (فداکاری) امام حسین علیه السلام، امامت را در فرزندان او و شفا را در تربت (قبر) او قرار داد» . (2)

امام کاظم علیه السلام فرمود:

خوردن خاک، همانند خوردن گوشت مردار و خون حرام است، مگر تربت سیدالشهدا علیه السلام که در آن شفای هر دردی و امان از هر ترس و هراسی است. (3)

و در برخی احادیث، برداشتن خاک از مرقد دیگر معصومین علیهم السلام منع شده است.

امام کاظم علیه السلام می فرمایند:

از تربت من چیزی را برای تبرک برندارید؛ زیرا [خوردن] تربت و خاک همه ما حرام است، مگر تربت جدم حسین بن علی علیه السلام که خداوند عزّوجلّ آن را برای دوست داران و شیعیان ما شفا قرار داده است. (4)

1- نشریه زائر، ش94، ص۸.
2- وسائل الشیعه، ج14، ص452؛ زیارت عاشورا و تربت سیدالشهدا، حیدر قنبری، ص۷۲.
3- بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۲۰.
4- بحارالانوار، ج ۹۸، ص۱۱۸.

غلوّ در زیارت

غلوّ، در لغت به معنای زیاده روی و تجاوز از حد است، همچنین به معنای توصیف کردن فرد یا چیزی بیش از آنچه هست، به کار می رود. در اصطلاح شرع به معنای مبالغه کردن در اوصاف پیامبران و اولیای الهی است که به اعتقاد الوهیت انسان منجر شود.

قرآن، اهل کتاب را از این کار منع می کند و می فرماید: {قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ لا تَغْلُوا فِی دِینِکُمْ غَیْرَ الْحَقِّ}؛ «بگو ای اهل کتاب، در دین خود، غلوّ (و زیاده روی) نکنید». (مائده: 77)

یکی از خطرناک ترین پدیده های انحرافی در حوزه باورهای دینی، غلوّ است؛ یعنی اعتقاد به اینکه:

1. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یا ائمه اطهار: جایگاهی در مرتبه خدایی دارند؛

2. تدبیر عالم هستی به ایشان واگذار شده است (به صورت مستقل) ؛(1)

3. معرفت و محبت اهل بیت:، انسان را از عبادت خداوند و انجام دادن واجبات بی نیاز می کند.

این باورها و اعتقاداتی نادرست و غلوّآمیز درباره ایشان است که به شدت از جانب اهل بیت: نکوهش شده و با غلوّکنندگان مبارزه شده است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

بر جوانان خود، از خطر غلوّکنندگان بیمناک باشید. مبادا باورهای آنان را تباه سازند؛ زیرا غلوّکنندگان بدترین مخلوق

1- ما معتقد هستیم که به اذن الهی تدبیر عالم به ایشان محول می شود، و در برخی از زیارت هایی که از معصوم علیهم السلام وارد شده به این مطلب اشاره شده است. مفاتیح الجنان، بخش زیارت امام حسین علیه السلام.

خدا هستند؛ عظمت خدا را کوچک دانسته و برای بندگان خدا قائل به ربوبیت شده اند. (1)

و در حدیث دیگر می فرمایند: «وای بر کسی که به ما نسبت دروغ دهد! گروهی درباره ما مطالبی می گویند که آن را قبول نداریم» . (2)

امام علی علیه السلام فرموده اند: «از غلوّ و زیاده روی درباره ما (اهل بیت) بپرهیزید» . (3)

اگرچه در میان شیعیان کسی چنین عقایدی، در این حد، درباره اهل بیت علیهم السلام ندارد، اما رفتارهای عده ای غلوّآمیز است. کسانی که هنگام ورود به حرم مطهر یا رواق ها به سجده می افتند، اگر سجده شان برای شکر خداوند باشد، مشکلی ندارد، اما اگر سجده با قصدی غیر از این باشد، حرام است. (4)

آیت الله جوادی آملی در این باره چنین می نویسد:

فقهای بزرگوار ضمن فتوا به حرمت سجده برای غیر خدا گفته اند، آن چه را گروهی از شیعه به شکل سجده نزد قبر امیرمؤمنان، علی علیه السلام انجام می دهند، مشکل است که انسان به جایز بودن آن قائل شود، مگر آنکه به قصد شکر خدای تعالی به دلیل توفیق یافتن بر درک زیارت باشد. (5)

یکی از زائران می گوید که هنگام ورود به رواق حرم مطهر امام علی علیه السلام به سجده افتادم و آستانه در را بوسیدم. وقتی بلند شدم،

1- بحارالانوار، ج 25، ص346.
2- بحارالانوار، ج 25، ص386.
3- غرر الحکم ودرر الکلم، عبدالرحمان بن محمد تمیمی، ص118.
4- توضیح المسائل امام خمینی، ص147، مسئله 1090.
5- ادب فنای مقربان، ج 1، ص82.

حضرت امام خمینی \ از داخل حرم به سمت من آمد و فرمود: «اینجا دستگیره در حرم را ببوس، و چندین مرتبه این را تکرار فرمود» . (1)

امام علی علیه السلام می فرمایند: «از مبالغه نسبت به ما بپرهیزید، ما را بنده پروردگار بدانید و آن گاه در فضل ما هرچه خواستید بگویید» . (2)

بدعت گذاری در زیارت

یکی دیگر از آسیب های زیارت، بدعت است. بدعت به این معناست که آنچه در دین نیست، به نام دین، در آن وارد شود یا آنچه جزء دین است، از متن دین خارج شود.

یکی از موارد بدعت، افزودن یا کاستن عبارت هایی از زیارت نامه یا دعاهایی است که از امامان معصوم علیهم السلام رسیده است. البته در خواندن زیارت نامه به خواندن زیارت های مأثور (صادر شده از ائمه) سفارش شده است. زیارت های معتبری مثل زیارت امین الله و زیارت جامعه کبیره در دسترس است که در هر زمان و در هر مکان می توان آن را خواند، بنابراین احتیاجی به خواندن زیارت نامه های غیر معتبر نیست !

باید از اِعمال سلیقه و زیاد کردن عبارتی در متن زیارت پرهیز کرد، هرچند معنا را تغییر ندهد و مفهوم مثبتی داشته باشد. ائمه اطهار علیهم السلام هم بر مراقبت از متون به صورتی که وارد شده اند، تأکید داشتند.

شخصی می گوید که حضور امام صادق علیه السلام رفتم و گفتم: «من از خودم دعایی اضافه کرده ام» . امام فرمود: «آن را کنار بگذار و برای من نقل

1- نشریه زائر، ش54، ص۷۷.
2- بحارالانوار، ج۲5، ص ۲۷۰.

نکن» . (1) حتی اجازه خواندن آن دعا را ندادند.

مرحوم شیخ عباس قمی در پایان زیارت وارث می نویسد:

اضافه کردن برخی عبارت ها نظیر

«فِی الجَنانِ مَعَ النَّبیینَ والصِّدیقینَ والشُّهداءِ والصّالحینَ وحَسُنَ أولئک رفیقا، السّلامُ عَلی مَن کانَ فِی الحائِرِ. . .» زیادی وخودسرانه است. (2)

مرحوم میرزا حسین نوری می نویسد:

عده ای بعد از خواندن زیارت وارث که از امام معصوم صادر شده است، کلماتی را بر آن اضافه کرده اند که این کلمات دارای چند دروغ آشکار است و در کنار بدعت، جسارت افزودن بر کلمات امام را نیز به همراه دارد. . . و بسیاری بر خواندن آن اهتمام دارند و حتی بعضی از اهل علم نیز دچار اشتباه شده اند. شخصی را دیدم که این گونه دروغ ها را برای شهدا، در زیارت نامه می خواند، به او گفتم بر شما ناپسند است که در چنین مکانی این دروغ ها را می خوانید، گفت: مگر اینها مستند نیست؟ گفتم: «نه» . گفت: «اما در کتاب مفتاح الجنان (3) آن را دیده ام» . من ساکت شدم و او را رها کردم که عده ای را جمع کرده است و با استناد به یک کتاب ناشناخته این گونه زیارت نامه می خواند. (4)

1- کافی، ج۳، ص 4۷6.

2- مفاتیح الجنان، ص۸ ۷۰.

3- این مفتاح الجنان، غیر از مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی است، و کتابی است در زمینه دعاها، اعمال روزها و ماه ها و زیارات، و تدوین کننده آن نامشخص است. برخی مطالب این کتاب مستند نیست؛ الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقا بزرگ طهرانی، صص ۲۱ و ۳۲4.

4- لؤلؤ و مرجان، میرزا حسین نوری، صص۹۷ و ۹۸.

بنابراین، در خواندن زیارت نامه ها باید تنها زیارت نامه های مستندی را خواند که از امام معصوم علیه السلام صادر شده است.

رعایت نکردن آداب تشرف

هدف از حضور در مکان زیارتی، عرض ادب و اظهار خاکساری در برابر ولی خداست. بنابراین، باید هنگام حضور در چنین مکان هایی آداب حضور رعایت شود. هجوم آوردن به طرف ضریح مطهر بدون اذن دخول و رعایت آداب تشرف، خلاف ادب و بی احترامی بزرگی است. متأسفانه در بسیاری از مکان های زیارتی همه تلاش زائران، رساندن دست خود به ضریح و تبرک جویی است، حال آنکه آیه شریفه می فرماید:

«یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إِلاَّ أَنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ» (احزاب: 5۳)

ای کسانی که ایمان آورده اید در خانه های پیامبر داخل نشوید مگر به شما اجازه داده شود.

این آیه، اگرچه درباره پیامبر اکرمصلی الله علیه و آله نازل شده است، ولی شامل معصومان دیگر هم می شود، حتی اگر این معصومان زنده نباشند. زیرا در اذن دخول حرم بعضی از ائمه همین آیه آورده شده است.

بنابراین، رعایت نکردن آداب ورود و آزار رساندن و فشار آوردن به دیگران، با هدف رسیدن به ضریح و دست رساندن به آن، هرچند با هدف تبرک جویی، خلاف آداب زیارت است و اگر موجب صدمه دیگران و رنجش ایشان بشود، معصیت است.

رفتار اولیای خدا، علما و اهل معرفت در این باره، نشان می دهد که معرفت و شناخت زیارت شونده مهم ترین عامل برقراری ارتباط با اوست

هرچند دست به ضریح نرسد.

در زندگی نامه آیت الله بهاءالدینی آمده است:

ایشان بسیار ساده و بدون تکلف به حرم (امام رضا) می رفت و گاهی وارد مسجد گوهرشاد می شد و روی زمین می نشست و می گفت: زیارت امین الله بخوانید و بعد از خواندن زیارت از حرم بیرون می رفت (داخل رواق نمی شد) . اطرافیان به ایشان می گفتند: این زیارت خوشایند ما نیست و تا داخل نرویم و نزدیک ضریح نشویم، زیارت مطلوب انجام نداده ایم. ایشان می فرمود: زیارت، حضور (قلب) زائر نزد زیارت شونده است.

یکی از علمای گمنام می گوید:

یکی از چیزهایی که به تجربه یافته ام و خیلی هم مؤثر است، نداشتن مزاحمت برای زوار است؛ یعنی جایی که شلوغ است، به هیچ وجه نزدیک نروم. ایشان (امام رضا) همه جا حضور دارند. روزی من در فلکه بیرون از حرم نشسته بودم و زیارت نامه می خواندم، به دلیل رعایت حال زوار، بسیار بهره مند شدم (و به من عنایت شد) . (1)

بعضی از زائران در داخل حرم با صدای بلند با یکدیگر صحبت می کنند یا دعوت به صلوات می نمایند، این رفتار برخلاف سفارش قرآن است که می فرماید:

«یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَرْفَعُوا أَصْواتَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِّ» (حجرات: ۲)

1- نشریه زائر، ش65، ص۹ (آثار و برکات زیارت از زبان یکی از عرفای معاصر) .

ای کسانی که ایمان آورده اید، صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید.

صدای ما در حضور پیامبرصلی الله علیه و آله در حال حیات از سه حال خارج نیست:

۱. صدای ما بلندتر باشد؛ قرآن آن را نهی کرده و می فرماید: (لا تَرْفَعُوا أَصْواتَكُمْ) (حجرات: 2)

۲. صدای ما برابر باشد یا حتی در حضور او با یکدیگر به صورت عادی صحبت کنیم؛ این هم ممنوع و ناپسند است؛ زیرا وقتی ما با افراد هم ردیف خود، رعایت ادب می کنیم و صدایی برابر با آنها داریم، در این صورت، پیامبر را مانند هم ردیف خود فرض کرده ایم که این نیز ممنوع شده است؛ خداوند می فرماید:

(وَ لا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ) (حجرات: ۲)

در برابر او بلند سخن نگویید، (و داد و فریاد نزنید) آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می کنند.

اگر ما در حرم پیامبرصلی الله علیه و آله بلند صحبت کنیم، اگر چنان چه صحبت از امور دنیوی باشد، باعث از بین رفتن اعمال صالح ما نیز می شود. چنان که آیه شریفه می فرماید: « أَنْ تَحْبَطَ أَعْمالُكُمْ وَ أَنْتُمْ لا تَشْعُرُونَ » ؛ «مبادا اعمال شما نابود گردد در حالی که نمی دانید» . (حجرات: ۲)

از بین رفتن عمل به سبب چنین رفتاری به اندازه ای مهم بوده است که گاهی پیامبر از خودش مایه می گذاشت. چنان که بعد از نزول این آیات، عرب بادیه نشینی آمد و از پشت درخانه، رسول خداصلی الله علیه و آله، را با صدای بلند صدا زد:

«یا مُحَمَّد اُخْرُج إِلَینَا» ؛ «ای محمد، ازخانه بیرون بیا. . .» ، پیامبر با صدایی بلندتر جواب او را دادند که اکنون خواهم آمد؛ عرض

شد: یا رسول الله، اگر شما با صدای عادی هم جواب می دادید، او می شنید، فرمودند: از آن ترسیدم که نزد فرشتگان، صدای او بلندتر از صدای من باشد و اعمال وی از بین برود. (1)

۳. آنکه صدای ما پایین تر از صدای پیامبر باشد؛ در این صورت، خداوند می فرماید: ما قلب چنین فردی را برای نزول روح تقوا خالص و هموار کرده ایم و تقوا و ایمان او تضمین می شود:

« إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْواتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولئِکَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوی » (حجرات: ۳)

به یقین کسانی که صدای خود را نزد پیامبر خدا پایین می آورند همان کسانی هستند که خداوند دل هایشان را برای تقوا خالص نموده، و برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی است.

بر اساس روایات معصومین و ادعیه مأثوره فرقی بین حیات و ممات پیامبرصلی الله علیه و آله وجود ندارد؛ آنچه را باید در حیاتش نسبت به ایشان رعایت کرد در ممات ایشان هم باید رعایت نمود. همچنین فرقی بین پیامبرصلی الله علیه و آله و سایر معصومین علیهم السلام وجود ندارد؛ بنابراین عمل به این آیه در مشاهد مشرفه سایر معصومین نیز لازم است، اما گاهی افراد کم اطلاعی که با بایدها و نبایدهای قرآن آشنایی ندارند، با صدای بلند مردم را به صلوات دعوت می کنند که این عمل باعث از بین رفتن توجه و تمرکز افرادی می شود که مشغول خواندن زیارت نامه، دعا و نماز هستند، و آن حال و توجه به خدا ضایع می شود. (2)

1- تفسیر الصافی، ج5، ص۴۸.
2- برگرفته از کتاب پیمان پارسایی، ابوالفضل بهرام پور، صص۲۳و۲۴.

بنابراین در مشاهد مشرفه، به ویژه در مسجد الحرام و مسجدالنبیصلی الله علیه و آله، باید صدای ما بلند نشود تا ادب حضور رعایت گردد و در این مورد حیات و ممات معصومان علیهم السلام یکسان است.

در واقع این اعمال از آن روست که زائر، حضور زیارت شونده را درک نکرده است، وگرنه هیچ وقت در حضور ولی خدا، با ایجاد سرو صدا، جسارت نمی کند.

مرحوم «شیخ محمدطه نجفی» در سامرا به حرم عسکریین علیهما السلام وارد شد، صداها به اذان بلند بود (و هرکس در گوشه ای برای خود اذان می گفت) ، ایشان آنها را از این کار منع کردند و این آیه شریفه را خواندند: « ما لَكُمْ لا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقاراً » ؛«چرا شما برای خدا عظمت قائل نیستید؟» (1)(نوح: 3 ۱)

علامه مجلسی با اشاره به این آیه می نویسد: «بلند کردن صدا در حرم مطهر نبوی و مشاهد شریفه ائمه علیهم السلام، چه در زیارت و چه در غیر آن، ناپسند و نادرست است» . (2)

مرحوم شیخ عباس قمی می نویسد:

ترک نکردن سخنان ناشایست و کلمات بیهوده و مشغول شدن به صحبت های دنیایی، همیشه و در همه جا ناپسند است و موجب قساوت قلب می شود؛ به ویژه در اماکن مقدسه. . . (3)

در جایی که بالا بردن صدا برای اذان خلاف ادب باشد، صحبت کردن در امور دنیوی و صدا زدن یکدیگر بدون توجه به احترام مکان، به یقین

1- آداب سفر حج، صص۳ ۲۰ و 4 ۲۰.
2- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص۱۲5.
3- مفاتیح الجنان، آداب زیارت، ص۹ 5۰.

بی احترامی و بی ادبی خواهد بود.

حتی کسانی که هنگام حرکت در اطراف ضریح، با صدای بلند دیگران را به صلوات دعوت می کنند و آرامش و حضور قلب زائرانی را که مشغول زیارت و دعا هستند، به هم می زنند، رفتارشان ناپسند و خلاف آداب زیارت است. در حالی که باید با سکوت و حضور قلب وارد شد. این گونه رفتارها نشانه بی توجهی زائر است.

جابه جایی اصل و فرع ها

سوغات، سنتی تأیید شده است، اما این مسئله در سال های اخیر دغدغه اصلی زائران شده است، به گونه ای که از ابتدای سفر بیشترین حواس و همت بسیاری از زائران، خرید سوغات است، حتی بر زیارت ها و اعمال عبادی آنها تأثیر می گزارد. بسیار دیده شده که در بهترین اوقات زیارت یا نماز، زائر به جای حضور در مکان های زیارتی، مشغول گشت وگذار در بازار و خرید سوغات است؛ این امر در بین ایرانیان به یک فرهنگ تبدیل شده است.

سفرهای زیارتی همواره با معنویت عجین هستند و بهترین سوغات، نیابت در زیارت و دعا برای دوستان و عزیزان است؛ البته اندکی هم هدیه، به عنوان تبرک و یادگاری برای نزدیکان خاص، سفارش شده است.

متأسفانه وجود انواع بازارها و کالاها در اطراف مکان های زیارتی، زمینه را برای سلب توفیق زائران ایجاد می کند و زائر به جای حضور در اماکن زیارتی به گشت وگذار در بازار می پردازد. در پایان نیز خسته و ناتوان به محل استراحت می رود، در حالی که دیگر توانی برای زیارت و

عبادت برایش نمانده است. توجه بیش از اندازه به خریدن سوغات در سفرهای زیارتی خارج از کشور، افزون بر خسارت معنوی برای زائر، خسارت های مادی سنگینی هم برای کشور به همراه دارد.

در سال های گذشته سوغات سفرهای زیارتی، خرید مُهر، تسبیح و تربت در سفر به عتبات عالیات، آب زمزم در سفر حج و زنجبیل و زعفران در سفر مشهد بود، اما اکنون خریدهای بسیار سنگین و در بعضی موارد کالاهای تجملی، باعث فراموشی سنت ساده گذشته شده است.

براساس گزارش سازمان حج و زیارت، کاسب های مکه و مدینه به میزان خرید زائران ایرانی بسیار دل بسته اند و بسیاری از اجناس خود را به صورت اختصاصی برای زائران ایرانی، از کشورهای مختلف وارد عربستان می کنند. همچنین بنا بر نتایج نظرسنجی از زائران، نیمی از آنان در هر روز بیش از سه ساعت از وقت خود را به خرید سوغات و کالا اختصاص می دهند و تعداد کمی از آنان روزانه کمتر از یک ساعت در بازارها به تفریح می پردازند و حدود ۱5 درصد، بیشتر از پنج ساعت برای این کار وقت می گذارند. (1)

تنوع کالاها و بازارها که بخشی از آن در مسیر زائرین قرار دارد، موجب می شود که آنها در میان راه، مسیر خود را تغییر دهند و به جای حضور در اماکن زیارتی، از این مغازه به آن مغازه بروند و در پایان، خسته و بی حوصله، خود را به محل اقامت می رسانند و استراحت می کنند.

صرف وقت بسیار برای یک امر مستحبی و از دست دادن فرصت زیارت، یک روی سکه است. چون به تدریج خواسته های بستگان دور و

1- نمایشگاه هفته حج، حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها، قم، اداره حج و زیارت استان قم.

نزدیک بیشتر می شود و در برخی اوقات ناراحتی و گلایه آنها را به دلیل نپسندیدن سوغات، به دنبال دارد، در نتیجه نگرانی زائر در طول سفر بیشتر می شود.

صرف هزینه های سنگین برای سوغات در سفرهای زیارتی خارج از کشور، ارز فراوانی را از کشور خارج می کند و باعث زیان های شدید اقتصادی می شود. برای حل این مشکل باید زائران، به اندازه نیاز سوغات تهیه کنند، تا هم به این سفارش مستحبی عمل کنند و هم باعث زیان های فردی و عمومی نشوند.

مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند:

از جمله غفلت های احتمالی این است که کسانی به جای شرکت در نمازهای جماعت، به سراغ زرق و برق های بی ارزش و پوچ و بازارها و مغازه ها بروند، برای اینکه جیب دولت های بیگانه و لاابالی نسبت به منابع مسلمانان را پر کنند؛ جیب کارگر و سرمایه دار آنها را با پول ایرانی و با ثروت ملی شان پر کنند. به جای شرکت در نماز جماعت، به بازارگردی و تماشای اجناس بپردازند. . . کیسه ها (سوغاتی) را زیر بغل بگیرند و اجناسی را که در شهر خودشان گاهی ارزان تر و بهتر از آنجا می توانند پیدا کنند، بگیرند و بیایند. مفید و بهتر آن است که انسان به نماز، عبادت، ذکر و توجه بپردازد؛ اینها دستاوردهای واقعی حج است؛ سوغات اینهاست؛ سوغات، معنویتی است که با خودتان می آورید. (1)

1- سایت دفتر مقام معظم رهبری، فرمایشات مقام معظم رهبری در جمع کارگزاران فرهنگی و اجرایی حج، سال۱۳۸۳.

رفتار نابجا و سوء استفاده مخالفان

خواندن زیارت و نماز زیارت هنگام نمازهای واجب به ویژه وقت برپایی نماز جماعت خلاف آداب زیارت است و خواندن نماز واجب، مقدم بر زیارت و نماز زیارت است. (1) بعضی از زائران هنگام نماز واجب مشغول خواندن زیارت نامه و نمازهای مستحبی هستند و این عمل در اماکن زیارتی مثل مدینه منوره زمینه بیشتری برای سوء استفاده مخالفان را فراهم می آورد و آنان شیعیان را به سستی و بی توجهی به واجبات متهم می کنند.

در حالی که در آداب تشرّف وارد شده است اگر زائر وارد حرم شد و نماز جماعت برپا بود، آن را مقدّم بدارد و پس از آن مشغول زیارت شود؛ چون ادای حق خداوند، مقدّم بر ادای حقّ امام است. (2)

خداوند در قرآن کریم خطاب به مؤمنان فرموده است:

{حافِظُوا عَلَی الصَّلَواتِ وَالصَّلاهِ الْوُسْطی وَ قُومُوا لِلَّهِ قانِتِینَ } (بقره: 238)

در انجام همه نمازها (به خصوص) نماز وسطی (نماز ظهر) کوشا باشید و از روی خضوع و اطاعت برای خدا بپاخیزید.

در روایات نیز به اهمیت نماز اول وقت وحضور در مساجد و نماز جماعت توجه ویژه ای شده است. امام صادق علیه السلام در توصیه ای به زائرین فرموده اند: «پیوسته مراقب اوقات واجبات الهی (نمازها) و نیز سنت های پیامبرش باشید». (3)

1- جنات ثمانیه، ص۲۸.
2- جنات ثمانیه، ص۲۸. ؛ به نقل از: تحیه الزائر.
3- «وَ راعِ اوْقاتَ فَرائِضِ اللهِ وَ سُنَنِ نَبِیّه» ؛ مصباح الشریعه، ص۸۹.

در حالات ائمه معصومین علیهم السلام آمده است که هرگاه زمان نماز فرا می رسید، اندامشان به لرزه درآمده، رنگ چهره شان دگرگون می شد، وقتی علت آن را جویا می شدند، می فرمودند: «وقت ادای امانتی رسیده که آسمان ها و زمین و کوه ها زیر بار آن نرفتند و آن را برنتافتند» . (1)

امیرالمؤمنین علیه السلام در فرمانی به محمد بن ابی بکر - آن گاه که او را والی مصر قرار داد - چنین نوشت:

نماز را در وقت تعیین شده آن، به جای آور. نه به خاطر فراغت و بی کاری در انجام آن شتاب کن و نه به بهانه کار آن را به تأخیر بیانداز. بدان که همه اعمال تو بسته به نماز تو است. (2)

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «فضیلت نماز اول وقت بر آخر وقت، همچون فضیلت و برتری آخرت بر دنیاست» . (3)

یکی از یاران امام رضا علیه السلام می گوید:

به همراه امام رضا علیه السلام حرکت می کردم و کسی همراه ما نبود، وقت نماز رسید، امام علیه السلام فرمود: «اذان بگو تا با هم نماز بخوانیم. گفتم: آقا صبر کنید تا افراد دیگری هم بیایند و همه با هم نماز بخوانیم، امام فرمود: هرگز نماز را از اول وقت بدون عذر تأخیر مینداز. (4)

راوی می گوید در نامه ای به امام باقر علیه السلام از تمام خواندن نماز در حرمین سوال نمودم، حضرت علیه السلام در جواب نوشت:

1- تفسیر صافی، ج۲، ص ۳۷۰.
2- «صَلِّ الصَّلاةَ لِوَقْتِهَا الْمُؤَقَّتِ لَها وَ لا تُعَجِّلْ وَقْتَها لِفَراغٍ وَ لا تُؤَخِّرْها عَنْ وَقْتِها لاشْتِغالٍ وَاعْلَمْ أَنَّ کُلَّ شَیْءٍ مِنْ عَمَلِکَ تَبَعٌ لِصَلاتِکَ» ؛ نهج البلاغه، نامه ۲۷.
3- میزان الحکمه، ص ۳۱۳۰، به نقل از ثواب الاعمال.
4- بحارالانوار، ج4۹، ص4۹.

پیامبر خداصلی الله علیه و آله نیز نماز خواندن در حرمین (مکه و مدینه) را بسیار دوست می داشت، پس تو نیز بسیار در این دو مکان نماز بگزار و نمازت را تمام بخوان. (1)

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«کسی که در نماز جماعت اهل سنت شرکت کند و در صف اول بایستد، گویا در صف اول جماعت پیامبر حضور یافته است. (2)

همچنین می فرمایند: «همراه اهل سنت در مساجد حاضر شوید» . (3)

همچنین آن حضرت به «زید الشّحام» که با غیر شیعه معاشرت داشت و با آنان در یک منطقه زندگی می کرد، فرمودند: «خود را با اخلاق ایشان تطبیق دهید، رفتاری خوب با آنان داشته باشید، در مساجدشان نماز بگزارید» . (4)

این تأکیدها و توصیه ها برای آن بوده است که عده ای از شیعیان تمایلی به شرکت در نماز جماعت اهل سنت در حرمین نداشتند.

امام صادق علیه السلام از پدران خود، از رسول خداصلی الله علیه و آله نقل فرموده اند که آن حضرت می فرماید:

کسی که صدای اذان را در مسجد بشنود و بدون دلیل و بیماری از مسجد خارج شود، منافق است؛ مگر آنکه تصمیم داشته باشد به مسجد برگردد. (5)

1- تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج5، ص4۲5.
2- وسائل الشیعه، ج۸، ص۲۹۹.
3- اصول کافی، ج۲، ص6۳5.
4- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص۳۸۳.
5- بحارالانوار، ج۸5، ص۹.

بدیهی است، هنگام نماز، توقف در کنار بقیع و خواندن زیارت نامه و نماز، عمل پسندیده ای نیست و نباید به گونه ای رفتار کنیم که سرزنش و بدگویی دیگران را به دنبال داشته باشد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

مبادا کاری کنید که ما را برای آن سرزنش کنند. همانا فرزند بد، به سبب رفتار بدش، پدر را بدنام می کند، شما برای آن کس که به او دل سپرده اید [امام خود] آبرو باشید و مایه بدنامی نشوید، در میان آنان [اهل سنت] نماز بگزارید و آنان در هیچ کار خیر از شما سبقت نگیرند، شما به (انجام دادن) کار خیر از آنان سزاوارترید. (1)

امام حسن عسکری علیه السلام به شیعیان، یاران و علاقمندان خود فرمودند:

از خداوند بترسید و زینت باشید؛ مایه ننگ و عار نگردید، هر دوستی و محبتی را به سوی ما جذب و هر زشتی و بدی را از ما دفع کنید. (2)

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «خداوند رحمت کند آن کسی که ما را در نظر مردم محبوب کند و مبغوض آنان نسازد» . (3)

امام صادق علیه السلام در جای دیگر به شیعیان چنین سفارش فرمودند:

با عشایر آنان نماز بگزارید و در تشییع جنازه ایشان حاضر شوید، بیماران آنها را عیادت کنید؛ حقوق ایشان را بپردازید؛

1- اصول کافی، ج۲، ص۲۱۹.
2- «اتَّقوا اللهَ و كُونُوا زَيْناً وَ لا تَكُونُوا شَيْناً، جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ» ؛ تحف العقول، ص۳62؛ بحارالانوار، ج۷۸، ص۳۷۲.
3- «رَحِمَ اللهُ مَنْ حَبَّبَنا إِلَى النّاسِ وَ لَمْ يُكرِّهنا اِلَيْهِمْ» ؛ امالی مفید، ص ۳۰؛ بحارالانوار، ج 5۲، ص ۳4۷.

پس هر مردی از شما اگر در دین خود ورع داشته باشد، راست بگوید، امانت را بپردازد و با مردم خوش رفتاری کند، گفته می شود این مرد جعفری است و این موجب خشنودی من می شود و مرا شاد می کند و گفته می شود این است تربیت جعفر (بن محمد الصادق علیه السلام) .

عبور در بین صف های نمازگزاران هنگام نماز جماعت، یکی دیگر از رفتارهای ناپسندی است که در مکان های زیارتی دیده می شود و جلوه ای ناپسند از نماز جماعت در اماکن زیارتی به نمایش می گذارد؛ ضمن اینکه عبور از مقابل نمازگزار مکروه است و برخی از اهل سنت نیز آن را حرام می دانند و واکنش نشان می دهند و یکی از بدرفتاری های آنها با بعضی از زائران، مربوط به همین عمل است.

هم نشینی افراد در مکان های مقدس و گفت وگوهای بی ارتباط با فضای معنوی این مکان ها رفتار ناپسند دیگری است که در جاهایی مثل مکه، مدینه و عتبات عالیات، باعث بدنامی شیعیان و ایرانیان می شود.

در احادیث بسیاری آمده است که مشی شیعه باید براساس عزت و مصلحت باشد و از رفتارهایی که برای مخالفان بهانه ایجاد می کند، پرهیز کند؛ ضمن اینکه سخن گفتن از دنیا در مسجد مکروه است.

رعایت نکردن حقوق همراهان در سفر

یکی از وظایف اخلاقی و اسلامی هر مسلمان، رعایت حقوق دیگران است. این مسئله در سفرهای زیارتی - که سفری معنوی است- توجه بیشتری می طلبد. برای بهره مند شدن از آثار و برکات زیارت، رعایت حقوق همراهان لازم است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

تلاش کن با همراهانت با خوش اخلاقی رفتار کنی، مراقب زبانت باشی، خشم خود را فروخوری، از بیهوده گویی بپرهیزی، گذشت داشته باشی و سخاوتمند باشی. (1)

در حالات رسول خداصلی الله علیه و آله وارد شده است که در یکی از سفرهایشان فرمودند: «کسی که در مصاحبت و مجاورت، بد عمل می کند، با ما همراه و همسفر نشود» . (2)

همچنین فرمودند:

هرگاه دو نفر با یکدیگرهمسفر شدند، هر گاه دو نفر با هم مصاحبت کنند، آن که با دیگری رفق و نرمی اش بیشتر است، نزد خدا محبوب تر و پاداشش عظیم تر است» (3)

اما بعضی از زائران به این گونه وظایف توجه نمی کنند و از روی غفلت و گاهی بر اثر خودخواهی باعث زحمت و ناراحتی دیگران می شوند. کسانی که در مسیر رفت وآمد زائران، به صورت ایستاده یا نشسته زیارت می خوانند، نماز می گزارند یا قرآن تلاوت می کنند، باعث ازدحام در مسیر حرکت و زحمت برای دیگران می شوند؛ آنها نه تنها پاداشی برایشان نیست، بلکه در مواردی گناه نیز کرده اند.

کسانی که برای نشستن در صف های نماز اصرار دارند یا جای دیگران را تصرف می کنند، رفتارشان نادرست است و گاه حکم نشستن در مکان

1- اصول کافی، ج4، ص۲۸6.
2- «من کان یسیئ الجوار فلا یصاحبنا» ؛ مستدرک سفینه البحار، ص5۸.
3- «مَا اصْطَحَب إثنان إلاّ کانَ أعظمُهُما أجراً أحبّهُما إلَی اللهِ ارفَقَهما بِصاحِبه» ؛ وسائل الشیعه، ج۸، ص۳۰۲.

غصبی را دارد. پیامبر هرگاه به منزلی وارد می شد، در پایین مجلس همان جا که وارد می شد، می نشست. (1)

ایشان توصیه می فرمود:

اگر به مجلسی وارد شدی و کسی برای تو جا باز نکرد، در مجلس بنگر هرکجا جای راحتی برای نشستن بود، همان جا بنشین. (2)

استاد حسن ممدوحی از قول آیت الله جوادی آملی می فرمود:

یک روز جمعه در مسجدالحرام برای نماز نشسته بودیم، در این بین یک شخص خودخواه آمد و با فشار خود را داخل صف کرد، به گونه ای که یک نفر دیگر از صف خارج شد و برخاست و از مسجدالحرام خارج شد. آن گذشتی که آن شخص (از صف خارج شده) انجام داد، ثوابش هزاران برابر بیشتر از آن نمازی است که این شخص خواند. (3)

در برنامه های گروهی، رعایت حقوق همراهان، گذشت، و مقدم داشتن دیگران، کمک کردن به ایشان واحترام گذاشتن به همراهان از وظایف مهمی است که به آن سفارش شده است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند: «با کسی که برای تو احترام قائل نیست، آن گونه که تو به او احترام می گذاری، در سفر مصاحبت نکن» . (4)

1- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۰۸.
2- بحارالانوار، ج۷5، ص465.
3- نشریه زائر، ش۱۱۸، ص1۱5؛ گفت وگو با استاد حسن ممدوحی.
4- «لاتَصحَبنَّ فی سفرٍ مَنْ لا یَری لَک مِنَ الْفَضلِ عَلیه کَما تَری لَه عَلَیک» ؛ وسائل الشیعه، ج۸، ص۳۰۲.

در سوار شدن به اتوبوس یا هواپیما و در نشستن و پیاده شدن، رعایت حقوق همراهان نشانه دقت و وظیفه شناسی زائر است. خودخواهی و بی توجهی به همراهان برخلاف اخلاق اسلامی است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «اگر کسی چهل قدم با مؤمنی همسفر شود، خداوند درباره (حقوق) او از وی می پرسد» . (1)

همچنین فرموده اند:

هرکس در راهی با برادر دینی خود همراه شود، سپس (از روی بی توجهی) از او پیش افتد، به اندازه ای که از جلوی چشم رفیق خود پنهان شود، به او ستم کرده است. (2)

بنابراین، در سفرهای گروهی در سوار و پیاده شدن، غذا خوردن، نشستن در مجالس، شرکت کردن به موقع در برنامه های گروهی، از بین نبردن وقت دیگران و. . . باید حال همراهان را رعایت کرد؛ زیرا بی توجهی به همراهان و خودخواهی، علاوه بر از دست دادن توفیق های معنوی، در مواردی گناه نیز به شمار می آید.

امام علی علیه السلام می فرمایند: «تداوم همراهی و هم سفری، به محبت و نرمش متقابل بستگی دارد» . (3)

رعایت حال افراد سال خورده، مقدم داشتن و یاری رساندن به ایشان، از وظایف اخلاقی و کرامت انسانی است که برخی از زائران به آن توجه نمی کنند و تنها به فکر خود هستند؛ در حالی که کمک به افراد ضعیف و ناتوان، به طور قطع اجر و پاداش بیشتری دارد.

1- بحارالانوار، ج ۷6، ص۲۷5.
2- بحارالانوار، ج 76، ص۱۷5.
3- غرر الحکم ودرر الکلم، ص۲44.

از آنجا که در حال حاضر بیشتر زائران به صورت گروهی و کاروانی به سفر معنوی حج و اماکن زیارتی می روند و در میان زائران افراد سال خورده ای هستند که توانایی کشیدن بار سفر را ندارند؛ ازاین رو زائران جوان تر و نیرومندتر برای جلب رضای حق، ثواب بیشتر باید به آنان یاری دهند و با حوصله و بردباری به کمک آنان بشتابند. در سوار و پیاده شدن از وسایل نقلیه (هواپیما، اتوبوس و. . .) آنان را مقدم کنند و بدون هیچ منّتی آنان را یاری دهند.

دانی که را سزد صفت پاکی؟

آن کو وجود پاک نیالاید

تا خلق از او رسند به آسایش

هرگز به عمر خویش نیاساید

تا دیگران گرسنه و مسکین اند

برمال و جاه خویش نیفزاید

تا بر برهنه جامه نپوشاند

از بهر خویش جامه نیفزاید

مردم اگر بدین صفات یابی

گر نام او فرشته نَهی شاید (1)

تحمل و بردباری در برابر لغزش های دیگران؛ به زیبایی سفرهای گروهی می افزاید.

امام علی علیه السلام می فرمایند: «زیبایی و آرامش خاطر در طول سفر، به بردباری و تحمل مشکل ها (و لغزش های دیگران) بستگی دارد» . (2)

امام صادق نیز می فرمایند: «هنگامی که اراده حج نمودی، . . . دنیا و راحتی را رها کن» . (3)

همچنین در روایت دیگری می فرمایند:

هیچ پادشاه و رعیتی به حج نمی رسد، مگر اینکه نوعی مشقت

1- پروین اعتصامی.
2- غرر الحکم ودرر الکلم، ص ۴۲۰.
3- «إِذا أَرَدْتَ الْحَجَّ. . . وَ دَعِ الدُّنْیا وَالرّاحَه» ؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص۱۷۲.

وناگواری در غذا، آشامیدنی ها، باد و توفان، خورشید و گرمای هوا او را تحت تأثیر قرار می دهد و این است معنای سخن خداوند که می فرماید «وَ تَحْمِلُ أَثْقالَكُمْ إِلی بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بالِغِیهِ إِلاَّ بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَؤُفٌ رَحِیمٌ» ؛ آنها بارهای سنگین شما را به شهری حمل می کنند که جز با مشقت زیاد به آن نمی رسیدید. پروردگارتان رؤوف و رحیم است. (1)

در روایات از حسن معاشرت و رفق ومدارا به مروت در سفر یاد شده است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

اما مروت درسفر همان بذل وبخشش، مزاح کردنی که خدا را به خشم نیاورد، مخالفت نکردن با همسفران، و سخن نگفتن بعد از جدایی پشت سر آنها است. (2)

رعایت همه حقوق و توجه به وظایف اخلاقی، صمیمیت، رفاقت و همدلی را به دنبال خواهد داشت. علاوه بر آن، اجر و پاداش دنیوی و اخروی دارد.

رسول خداصلی الله علیه و آله می فرمایند:

کسی که مؤمن مسافری را یاری رساند، خداوند هفتاد و سه گرفتاریش را بر طرف کند و در دنیا و آخرت او را درپناه خود

1- «ما مِنْ مَلِكٍ وَ لا سُوقَهٍ یَصِلُ إِلَی الْحَجِّ إلاّ بِمَشَقَّهٍ فِی تَغْیِیرِ مَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ أَوْ رِیحٍ أَوْ شَمْسٍ لایَسْتَطِیعُ رَدَّها وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ وَ تَحْمِلُ أَثْقالَكُمْ إِلی بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بالِغِیهِ إِلاَّ بِشِقِّ الأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَئُوفٌ رَحِیمٌ» ؛ اصول کافی، ج4، ص۲۵۳.

2- «وامّا امرُوءَهُ فی السّفر فَبذلُ الزّادِ وَالمِزاحِ فی غَیرِ ما یسخط الله وَ قِلّه الْخِلافِ عَلَی مَنْ صَحِبک وَتَرکُ الرّوایه عَلیهِم اِذا أنتَ فَارقتهم» ؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص4۳6.

گیرد و از غم و اندوه گرانبار روز قیامت که مردم را به هراس می افکند، رهایی بخشد. (1)

بی توجهی به شئون اسلامی

آیات قرآن، ائمه معصوم علیهم السلام و بزرگان دین به رعایت شئونات اسلامی تأکید کرده اند که در سفرهای زیارتی اهمیت بیشتری می یابد. زائر با حفظ شأن خود، حرمت اماکن زیارتی را حفظ می کند.

رعایت شئونات اسلامی در مکان های زیارتی مکه و مدینه که زائران مسلمان دیگر مذاهب نیز حضور دارند، اولویت بیشتری دارد. رفتار و ظاهر زائر شیعه باید موجب زینت و افتخار ائمه علیهم السلام باشد.

برخی از زائران به شئونات اسلامی توجه نمی کنند و با ظاهری نامناسب در اماکن زیارتی حاضر می شوند، به ویژه برخی بانوان که پوشش و حجاب اسلامی را رعایت نمی کنند و گاهی با آرایش به این مکان ها وارد می شوند. آنها به فضای معنوی آنجا بی توجهی می کنند، حرمت آن اماکن را می شکنند و مانع حضور قلب و تمرکز معنوی دیگران می شوند؛ در حالی که آیات قرآن بر ضرورت پوشش اسلامی تأکید دارد و می فرماید:

«وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ. . . لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ ما ظَهَرَ مِنْها وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلى جُيُوبِهِنَّ. . .» (نور: ۳۱)

وبه زنان با ایمان بگو. . . زینت خود را - جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) .

1- «مَنْ أعانَ مُؤمناً مُسافراً فَرّج اللهُ عَنه ثَلاثاً و سَبعین كُربَه وَ أجارَه فِی الدُّنیا وَ الآخِرَه مِنَ الْغَمِّ وَالْهَمّ وَ نَفّسَ كُربَه الْعظیم یَومَ یغصُّ النّاسُ بأنفاسِهم» ؛ وسائل الشیعه، ج۸، ص5۳۱.

همچنین در آیه ای دیگر آمده است:

«وَ قَرْنَ فِی بُیُوتِکُنَّ وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیَّهِ الْأُولی » (احزاب:۳۳)

ودر خانه های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید.

بنابر فتوای علما و فقها، زنان باید تمام بدن به جز گردی صورت و دست ها تا مچ را از نامحرم بپوشانند؛ البته پوشش با چادر بهتر است و از لباس هایی که جلب توجه نامحرم می کند، باید پرهیز شود. (1)

همچنین رعایت پوشش در حال نماز، دعا و زیارت نیز توجه شده است و باید حجاب کامل رعایت شود.

مرحوم شیخ عباس قمی می نویسد:

زن هایی که به اسم زیارت خود را آرایش می کنند و با لباس های نامناسب به زیارت می روند، در حقیقت زیارت آنها، عبادت خوانده نمی شود (و پاداش ندارد) بلکه از منکرات (کارهای زشت) آنهاست (و گناه است) . (2)

بی توجهی به پوشش اسلامی در مکان هایی که مسلمانان کشورهای دیگر نیز حضور دارند، به ویژه در مکان های زیارتی مکه و مدینه، علاوه بر بی حرمتی به این مکان ها، موجب متهم شدن زنان شیعه و ایرانی به بدحجابی نیز می شود و زمینه تبلیغات نادرست را فراهم می کند که البته گناهی بزرگ و نابخشودنی است.

برخی آقایان نیز با استعمال دخانیات و پوشیدن لباس های نامناسب

1- احکام روابط زن ومرد، سید مسعود معصومی، صص۹۷ و ۹۸.
2- مفاتیح الجنان، صص ۵۱۰ و ۵۱۱.

فضای اماکن زیارتی را آلوده می سازند که اجتناب از این امر بسیار ضروری است. مکان هایی که محل نزول و حضور ملائکه الهی هست، با این سلوک و رفتارها همخوانی ندارد و نشانه کم توجهی زائر است.

غلبه سیاحت بر زیارت

سفرهای زیارتی، سفرهایی بسیار معنوی و اثرگذار برای کسانی است که با تحمل مشکلات بسیار، به آن اقدام می کنند. در گذشته به افرادی که به مکان های زیارتی تشرف می یافتند، بسیار احترام می شد و حتی پس از سفر با عنوان ویژه ای خوانده می شدند. کسانی که به مکه مشرف می شدند، «حاجی» و کسانی که به کربلا می رفتند، «کربلایی» و کسانی که به مشهد عزیمت می کردند، «مشهدی» خطاب می شدند و توفیق حضور در چنین اماکنی بسیار باارزش شناخته می شد.

در زیارت و تمامی اعمال و مناسک قصد قربت لازم است. زائر باید قصدش را خالص کند و اعمالش تنها برای به دست آوردن ثواب باشد.

انگیزه از حج و زیارت نباید تحصیل اعتبار در اجتماع، فرار از مذمت مردم، تجارت، سیاحت و. . . باشد، که همه اینها به اخلاص ضرر می زند، نیت را فاسد می کند و عمل را باطل می سازد.

از آنجا که در عصر حاضر سفرها آسان شده است و در زمان کوتاه می توان راه های طولانی را پیمود، این مسئله باعث تغییر انگیزه مردم در مسافرت به اماکن زیارتی شده است و عده ای به قصد سیاحت و مشاهده اماکن زیارتی سفر می کنند، که این، زمینه آسیب های دیگری نیز می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله در روایتی درباره انگیزه های مختلف مردم می فرمایند:

زمانی می رسد که ثروتمندان امت من برای تفریح به حج می روند، مردم عادی و متوسط جامعه برای تجارت و فقیران برای خودنمایی و کسب اعتبار. (1)

مقام معظم رهبری نیز در این باره می فرماید:

نگاه به حج به صورت یک سفر گردشی یا خدای نکرده با یک اهداف دیگر که گفتنی نیست، این نفس و هوای انسان، انسان را به خیلی جاها می کشاند، باید اینها را مراقبت و جلوگیری کرد، این انگیزه های مادی باید در حج دور شود. (2)

از طرفی بسیاری از سفرهای زیارتی به صورت گروهی انجام می پذیرد و حمل و نقل و تغذیه و اسکان زائران بر عهده مجموعه ای خاص است و این امر نیز انتظارات برخی از زائران را بالا می برد. ازاین رو اعتراض و شکایت از دست اندرکاران به سبب برخی کاستی ها یا توقع زیاد زائر، از آسیب های این گونه سفرهاست.

عده ای نه تنها روحیه قدرشناسی از دست اندرکاران و عوامل گروه را ندارند، همیشه با رفتاری طلبکارانه کاستی ها یا هزینه اندکی را که پرداخته اند، به رخ می کشند و خواسته های نابجایی مطرح می کنند.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

از ما نیست کسی که با همراهان خود به نیکی، هم نشینی نکند

1- «یَحُجُّ اغْنیاءُ امَّتی لِلنُّزْهَه وَ یَحُجُّ اوْساطُها لِلتِّجاره وَ یَحُجُّ فُقَرائُهُم لِلْرِّیاءِ وَالسُّمْعَه» ؛ تهذیب الاحکام، ج5، ص46۳؛ تفسیر المیزان، ج5، ص۳۹6.
2- سایت مقام معظم رهبری، فرمایشات معظم له در جمع کارگزاران فرهنگی و اجرایی حج، سال1۳۸5ه. ش.

وبا دوستان خود مدارا نکند و در غذا خوردن خواسته دیگران را در نظر نگیرد و در خُلق وخو اخلاق دیگران را نادیده بگیرد. (1)

عادی شدن زیارت

امروزه مسافرت بسیار آسان شده است و مشکلات سفر در مقایسه با گذشته بسیار ناچیز است، اما به دلیل استقبال گسترده مردم، توفیق سفر زیارتی برای برخی افراد تنها برای یک بار فراهم می شود. بنابراین، این گونه سفرها اهمیت بیشتری دارند. با این حال برخی زائران به اهمیت آن و سختی های فراهم شدن چنین سفری توجه نمی کنند و بیشتر وقت خود را در محل استراحت یا در بازار و مکان های غیر زیارتی سپری می کنند.

برخی از اصحاب امام صادق علیه السلام به مدینه سفر کردند و خدمت حضرت رسیدند، امام سؤال کردند: «ان شاءالله چند روز می مانید؟» گفتند: «پانزده روز» . امام فرمودند:

به شرف اقامت در حرم رسول خدا رسیده اید، پس خوب حواستان جمع باشد که برای آخرت خود کار کنید، مردم برخی افراد را که در معامله و تجارت به سود زیاد دست می یابند، زرنگ و باهوش می دانند، اما زرنگ و باهوش کسی است که به دنبال سود آخرتی است. (2)

امام خمینی به خادمان و دست اندرکاران آستان قدس رضوی می فرمودند:

1- مکارم الاخلاق، ص ۲5۰.
2- کافی، ج4، ص55۸.

چه سعادتی دارید که چشم های شما به آن بارگاه عظیم ملکوتی باز می شود و در آن حرم شریف، مرکز علم و مرکز ملائکه، می روید و ما حسرت آن را داریم. (1)

مقام معظم رهبری نیز می فرماید:

سرگرم شدن به زخارف پوچ، بی ارزش و سرگرمی های معمولی دنیوی در حج، بلای بزرگی برای حاجی است که پول خود را خرج، عمر خود را مصرف می کند. از جسم و جان خود مایه می گذارد، آن وقت دست خالی برگردد. دست خالی برگشتن از حج، یعنی توفیق نیافتن به بازسازی اخلاقی، به عبرت گیری، به بهره مندی معنوی؛ این دست خالی برگشتن حیف نیست؟ (2)

بنابراین زائر باید با حضور قلب و درک درست از آن جایگاه وارد شود، نه اینکه حواس و نگاهش به در و دیوار و تزیینات حرم باشد و اگر به دلیل شلوغی موفق به حضور در کنار ضریح نشد، زیارت خود را پذیرفته و پسندیده نداند. مقام معظم رهبری می فرماید:

اعمال را با تدبر انجام دادن و رعایت حالت خضوع و خشوع و رعایت ممنوعات دوران احرام، هرکدام یک درس است و نباید با انگیزه های کوچک دنیایی باطل کنند. . . مشکل دیگر این است که وقت نماز بگذرد و جلوی چشم مردم (به جهت نرفتن به جماعت و پرداختن به خرید) سبب توهین به حاجی ایرانی شود و چیزهای دیگری که در خلال این است، این یک

1- صحیفه امام، ج۱۲، ص6۱۰.
2- صحیفه حج، مجموعه سخنان و پیام های مقام معظم رهبری، ص۲۳6.

هوس کم اهمیت و حقیر است که کل آن فضای معنوی را ممکن است تحت تأثیر قرار بدهند. (1)

بی برنامگی و تلف کردن وقت، از اموری است که در برخی زائران مشاهده می شود. زائرانی که برای بهره برداری مطلوب از سفر معنوی زیارت، هیچ برنامه منظمی ندارند و زمان معینی برای رفتن به حرم و انجام دادن اعمال در نظر نگرفته اند، با ارزش ترین فرصت ها را از دست می دهند.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«اِضاعَه الفُرصَهِ غُصَّهً» (2)؛ «از دست رفتن فرصت، سبب غصه و حسرت خواهد شد» .

آنها هنگام وداع و جدا شدن از آن مکان به خود می آیند.

بیدار باش جان من، عمر سفر گذشت

از آن همه نشیب و فراز، از خطر گذشت

فرصت شمار این دو سه روزی که مانده است

چه خاطرات پرخطری از نظر گذشت

سعی صفا و مروه و قربانی منا

روز مدینه و شب مکّه دگر گذشت

طوف حریم کعبه و قربانی منا

از درک کنهِ آن نشدی باخبر، گذشت

اینجا خلیل گونه تلاشی دوباره کن

پیغمبری که از پسر و سیم و زر گذشت

شب ها کنار خاک بقیع، اشک و گریه بود

شام بقیع رفت و نسیم سحر گذشت (3)

اما اگر زائر بهترین زمان را برای برنامه های زیارتی، عبادت و ختم قرآن قرار دهد و وقت های استراحت یا بازگشت از حرم را به بازار برود از سفر خود استفاده کرده است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هرگاه توفیق حضور در مسجدالنبی پیدا

1- سایت مقام معظم رهبری، فرمایشات معظم له در جمع کارگزاران حج، سال۱۳۸6ه. ش.
2- وسائل الشیعه، ج6۱، ص۸4.
3- اشعری.

کردید، بیشتر به ذکر و نماز بپردازید و بدانید همیشه این فرصت ها فراهم نمی شود» . (1)

همچنین امام سجاد علیه السلام می فرمایند: «کسی که در مکه قرآن را ختم کند، نمی میرد مگر اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کند و جایگاهش را در بهشت ببیند» . (2)

بی توجهی به قداست اماکن زیارتی

در اسلام همان گونه که برخی زمان ها شرافت و قداست ویژه ای دارند، برخی مکان ها نیز نسبت به دیگر مکان ها فضیلت و پاکی دارند. در واقع یک قطعه زمین با زمین دیگر تفاوتی ندارد، اما وقتی در آن زمین پیامبر یا ولی خدا دفن می شود، به سبب وجود ایشان، شرافت، فضیلت و برکتی می یابد که پیش از آن نداشته است، ازاین رو، احترامش لازم و اهانت به آن حرام است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

خداوند متعال از قبرها و مکان های روی زمین شش بقعه را اختیار کرد (امتیاز برتری داد) : بیت الله الحرام (کعبه) ، سرزمین حرم، مزار پیامبران و اوصیا، محل شهادت شهدا و مساجدی که نام خدا در آنها برده می شود. (3)

مکان هایی که نظر و عنایت خداوند به آنهاست، قداست دارد و حفظ حرمت آن لازم است. اما بعضی از زائران بدون توجه به قداست این

1- بحارالانوار، ج 96، ص ۳۸۱.
2- بحارالانوار، ج ۹۹، ص۸۲.
3- بحارالانوار، ج۹۸، ص 66.

مکان ها در گوشه و اطراف رواق ها می خوابند و بی حرمتی می کنند. خوابیدن در حرم ائمه علیهم السلام، عملی ناپسند است، همان گونه که خوابیدن در مسجد مکروه است.

در مکان هایی که باید با خضوع وارد شد و به ذکر و دعا مشغول شد، افرادی بدون رعایت آداب زیارت با تلفن همراه خود به مکالمه می پردازند و در اطراف ضریح و رواق ها، سرگرم فرستادن پیامک یا فیلم برداری هستند. مکان هایی که باید با گام های کوتاه، در حال گفتن ذکر و تسبیح و صلوات به آنها وارد شد، با فیلم برداری و گفت وگو و سرگرم شدن به تلفن همراه، هیچ تناسبی ندارند و نوعی بی توجهی به قداست آنهاست.

رعایت نکردن نظافت و بهداشت نیز با حفظ حرمت و قداست مکان های زیارتی سازگاری ندارد، در حالی که اسلام با تأکید بسیار، مسلمانان را به رعایت نظافت و حفظ بهداشت موظف کرده و نظافت را نشانه ایمان دانسته است. (1)ریختن مواد اضافی مصرف شده در صحن ها و رواق ها، بی احترامی آشکار به مکان مقدس و زیارتی است.

بی توجهی به فرهنگ های دیگر

هر ملت و کشوری فرهنگ، آداب و رسوم و باورهای ویژه ای دارد و حتی در یک کشور، هر شهری آداب و فرهنگ خاص خود را دارد. آشنایی با فرهنگ و باورهای هر ملتی، باعث احترام و ارتباط با آنها می شود.

امام علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام فرمودند: «پسرم ! هرگاه در کشور و شهر غریبی بودی، با آداب آنان معاشرت کن» . (2)

1- بحارالانوار، ج59، ص ۲۹۱.
2- « حُسینُ إذا کُنتَ فی بَلدَه غریباً فَعاشِرْ بآدابها» . بحارالانوار، ج44، ص۲67.

آشنایی نداشتن با فرهنگ و باورهای دیگر ملت ها، سبب سردرگمی و نگرانی و در مواردی موجب مشکلات برای زائر خواهد شد و زمینه را برای سوء استفاده مخالفان و متهم کردن شیعیان و ایرانیان فراهم می کند. زائر از هر کشور و هر نژادی، میهمان زیارت شونده است و رعایت احترام ایشان لازم است. برخورد عاطفی و صمیمانه با وی واکنشی متقابل را به دنبال دارد. همچنین، برخی بدبینی ها و تبلیغات مسموم را خنثی می کند.

علی علیه السلام می فرمایند: «همیشه با یکدیگر زیبا سخن بگویید تا پاسخ زیبا و مؤدبانه بشنوید» . (1)

امام عسکری علیه السلام به شیعیان و علاقمندان خود فرمودند:

از خداوند بترسید و زینت (ما) باشید و مایه ننگ و عار نگردید، هر دوستی و محبتی را به سوی ما جذب و هر زشتی و بدی را از ما دفع کنید. (2)

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «خداوند رحمت کند آن کسی که ما را در نظر مردم محبوب کند و مبغوض مردم نسازد» . (3)

لازم نیست برای ارتباط با دیگر کشورها و مذهب ها به باورهای ایشان پایبند باشیم، بلکه احترام به شخصیت و آداب آنان و رعایت ادب، زمینه رفتار مناسب و شایسته آنها را فراهم می آورد.

1- غرر الحکم ودرر الکلم، ص4۳6.
2- «اتَّقوا اللهَ و کُونُوا زَیْناً وَ لا تَکُونُوا شَیْناً، جُرُّوا إِلَیْنَا کُلَّ مَوَدَّهٍ وَادْفَعُوا عَنَّا کُلَّ قَبِیحٍ» ؛ تحف العقول، ص 4۸۸؛ بحارالانوار، ج۷5، ص۳۷۲.
3- «رَحِمَ اللهُ امْرَأً حَبَّبَنا إلَی النّاسِ وَ لَمْ یُبَغِّضْنا اَلَیْهِمْ» ؛ امالی مفید، ص ۳۰؛ بحارالانوار، ج۷۲، ص 4۲۱.

اسراف

اعتدال، از خصلت های نیکوی انسانی و اسلامی است. در آیات و روایات به آن تأکید شده است و از اسراف و زیاده روی که از گناهان است به شدت نهی شده است. خداوند در آیه ای می فرماید: {وَ أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحابُ النَّارِ}؛ «و مسرفان اهل آتشند». (غافر: 43)

همچنین امام علی علیه السلام می فرمایند: «اسراف، موجب هلاکت و نابودی و میانه روی، مایه زیادی ثروت است». (1)

متأسفانه در جامعه ما اسراف گرایی گسترش یافته و به فرهنگ تبدیل شده است. بسیاری از مردم به دلیل آشنا نبودن با فرهنگ اعتدال و میانه روی، در بسیاری از موارد به دلیل فخرفروشی، به اسراف روی می آورند و آن را امری عادی و کم اهمیت می دانند. به طور طبیعی در سفرهای زیارتی و در مهمانی های پس از آن نیز، هزینه های سنگینی صرف می کنند و آن را لازم می پندارند، در حالی که اسراف کاری سبب بی بهره شدن از توفیقات معنوی زیارت می شود.

هزینه کردن در کارهای غیرضروری و خرید کالاهایی که چندان نیازی به آن نیست و خرید کالاهای چشم گیر، نمونه هایی از اسراف در سفرهای زیارتی است.

امام علی علیه السلام می فرمایند: «خرج کردن دارایی در راه نادرست، زیاده روی و اسراف است». (2)

برخی زائران بیش از نیازشان، برای طول سفر و میان راه، غذا و مواد

1- کافی، ج4، ص۵2؛ الخصال، ج۲، ص5 ۰5؛ بحارالانوار، ج6۸، ص۳4۷.
2- نهج البلاغه، خطبه۱۲6.

غذایی با خود بر می دارند، ولی مقداری از آن را مصرف می کنند و باقیمانده آن را دور می ریزند، در حالی که در آیه قرآن آمده است:

«كُلُوا وَاشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱)

بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید، همانا خداوند اسراف کنندگان را دوست نمی دارد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

کمترین میزان اسراف، دور ریختن باقی مانده ظرف (غذا یا آب) ، هر روز، لباس خوب پوشیدن (و کهنه کردن آن) و دور انداختن هسته خرماست. (1)

هزینه های سنگینی که زائران پس از بازگشت از سفرهای زیارتی، می پردازند، درحالی که در بعضی موارد از هزینه سفر هم بیشتر است، از نمونه های آشکار اسراف است که بیشتر اوقات از فخرفروشی افراد است.

1- بحارالانوار، ج۷۲، ص۳۰۳.

تبرک

تبرک در لغت به معنای طلب برکت است و برکت به معنای زیادی و رشد یا سعادت است. (1)

در اصطلاح به معنای طلب برکت از طریق چیزی یا حقیقتی که خداوند متعال برای آنها امتیاز و مقام خاصی قرار داده است؛ همانند لمس کردن یا بوسیدن دست پیامبر صلی الله علیه و آله یا برخی از آثار آن حضرت بعد از وفاتش.

مسئله تبرک یکی از مسائل اختلافی بین وهابیان و مسلمانان است. در عقاید فرقه وهابیت، تبرک به آثار صالحین و اولیای الهی و اماکن و مشاهد مقدسه و آثار وابسته به آنان به شدت انکار شده است؛ و آن را از مصادیق شرک می دانند و با کسانی که این عقیده را دارند، مبارزه می کنند. آنها به حرمت تبرک فتوا داده اند، چنان که «صالح بن فوزان» -از مفتیان وهابیان - می گوید:

1- لسان العرب، ج ۱۰، ص ۳۹۰؛ صحاح اللغه، ج4، ص۱۰۷5.

سجده کردن بر تربت اگر به قصد تبرک به این تربت و تقرب به ولی باشد، شرک اکبر است و اگر مقصود از آن تقرب به خدا با اعتقاد به فضیلت این تربت باشد، همانند فضیلت زمین مقدس در مسجد الحرام و مسجد نبوی و مسجد الأقصی، بدعت است. (1)

«ابن عثیمین» می گوید: «تبرک جستن به پارچه کعبه و مسح آن از بدعت هاست؛ زیرا در این باره از پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی نرسیده است» . (2)

گروه دائمی مفتیان وهابیان می گویند:

. . . توجه کردن مردم به این مساجد و مسح نمودن دیوارها و محراب ها و تبرک به آنها بدعت و نوعی شرک و شبیه به عمل کفار در جاهلیت است. (3)

حاکم در مستدرک نقل می کند:

مروان بن حکم، وارد مسجد شد و مردی را دید که صورت بر قبر نهاده است، گردن او را گرفت و گفت: «می دانی چه می کنی؟» وقتی آن مرد صورتش را برداشت، مروان دید که ابوایوب انصاری است، او خطاب به مروان گفت: «من نزد سنگ نیامده ام، نزد پیامبر آمده ام. ای مروان از پیامبر شنیدم که فرمود: آن گاه که دین را صالحان رهبری کنند بر آن گریه نکنید، آن گاه گریه نمایید که نا اهلان رهبر باشند» . (4)

1- المنتقی من فتاوی الشیخ صالح بن فوزان، ج۲، ص۸6.
2- مجموع الفتاوی لابن عثیمین، رقم ۳66.
3- شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، ج ۱، ص ۱۷۱. به نقل از الجنه الدائمه للبحوث العلمیه و الافتاء، ح۳۰۱۹.
4- المستدرک، حاکم نیشابوری، ج4، ص5۱5؛ الجامع الصغیر، ج۲، ص۷۲۸.

یکی از شبهاتی که وهابیان در مسئله تبرک مطرح می کنند این است که چرا شیعیان هنگام زیارت، در و دیوار حرم را می بوسند و به آنها تبرک می جویند؟

پاسخ این است که تبرک به آثار اولیای خدا، مسئله ای نیست که هم اکنون در میان گروهی از مسلمانان پدید آمده باشد، بلکه ریشه این رفتار را در زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و صحابه آن حضرت می توان یافت.

نه تنها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یاران آن بزرگوار، بلکه در میان امت پیامبران پیشین نیز این امر وجود داشته است. علاوه بر این، دلایل فراوانی بر مشروع بودن تبرک به آثار اولیاء، در کتاب و سنت وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

یوسف صدیق هنگامی که خود را به برادران خویش معرفی کرد و آنان را بخشید فرمود: « اذْهَبُوا بِقَمِیصِی هذا فَأَلْقُوهُ عَلی وَجْهِ أَبِی یَأْتِ بَصِیراً » ؛ «این پیراهن مرا ببرید و بر صورت پدرم بیندازید، بینا می شود» . (یوسف:۹۳)

سپس خداوند می فرماید:

« فَلَمَّا أَنْ جاءَ الْبَشِیرُ أَلْقاهُ عَلی وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِیراً » (یوسف:۹6)

اما هنگامی که بشارت دهنده آمد آن (پیراهن) را بر صورت او افکند؛ ناگهان بینا شد.

این سخن گویای قرآن، نه تنها گواه روشنی بر تبرک جستن پیامبر خدا (یعقوب) به پیراهن پیامبری دیگر (حضرت یوسف) است، بلکه بیانگر آن است که این پیراهن، موجب بازگشت بینایی حضرت یعقوب گردید.

زمخشری می گوید:

تابوت، صندوق تورات بوده است، و هرگاه حضرت موسی علیه السلام در صدد جنگ برمی آمد، آن را بیرون می آوردند و در منظر بنی اسرائیل قرار می دادند تا با دیدن آن آرام شوند و در جهاد سست نگردند. (1)

رسول گرامی اسلام نیز به هنگام طواف خانه خدا، حجرالاسود را استلام می نمود و یا می بوسید. (2)در صورتی که اگر لمس کردن و یا بوسیدن سنگی، شرک به خدا بود، هرگز پیامبر به چنین کاری مبادرت نمی ورزید.

در کتب صحاح، مسانید، تاریخ و سنن، روایات فراوانی درباره تبرک جستن صحابه پیامبر به آثار آن حضرت، مانند لباس، آب وضو، ظرف آب و. . . به چشم می خورد که به روشنی دلالت بر مشروعیت تبرک دارد.

بخاری در صحیح خود، در ضمن روایتی طولانی که شرح برخی از ویژگی های پیامبر و یاران او را دربردارد، چنین می نویسد: «هرگاه پیامبر وضو می گرفت، نزدیک بود مسلمانان، (بر سر به دست آوردن آب وضوی آن حضرت) با هم بجنگند» . (3)

همچنین در جای دیگر آمده است که تارهایی از موی پیامبر صلی الله علیه و آله نزد «ام سلمه» زوجه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که هرگاه کسی را چشم زخمی می رسید ظرف آبی خدمت ایشان می فرستاد تا آن موها را در آن فرو کند

1- تفسیر کشاف، ج ۱، ص۲۹۳.
2- «رَأیتُ رَسولَ الله [صلی الله علیه و آله] یَستَلِمُه و یُقبِّلُه» ؛ مسند احمد، ج۲، ص۲1۵۱؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج۹، ص۴9.
3- «وَ إذَا تَوضّأ کَادُوا یَقتتِلُون عَلَی وُضوئِه» . صحیح البخاری، ج ۱، ص55.

و آسیب دیده را شفا بخشد. (1)

قاضی عینی درباره موی پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید:

نزد ام سلمه تعدادی از موی پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در ظرفی نگهداری می کرد و همیشه مردم هنگامی که مریض می شدند، به آن تبرک می جستند و از آن استشفا می نمودند، و موی حضرت را برداشته و در ظرفی از آب گذاشته و آن را می آشامیدند و بدین صورت شفا می یافتند. (2)

مسلم در صحیح خود می نویسد: «کودکان را نزد پیامبر می آوردند و آن حضرت به منظور تبرک آنان، دعا می کرد» . (3)

انس می گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله بر امّ سلیم وارد شد و از مشکی که بر دیوار آویزان شده بود؛ آب آشامید. امّ سلیم مشک را برداشته و دهانه آن را بریده و برای تبرک نزد خود نگاه داشت. (4)

همچنین صحابه می کوشیدند تا از جایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن آب نوشیده بود، آب بنوشند. (5)انس بن مالک می گوید:

کارگران مدینه هر صبح با ظرف هایی از آب می آمدند تا رسول خدا صلی الله علیه و آله با فروبردن دست در آنها، آن آب ها را تبرک کنند و حضرت چنین می کردند، حتی درروزهای بسیار سرد. (6)

1- صحیح بخاری، ج۷، ص5۷.
2- عمده القاری فی شرح صحیح البخاری، ج۱۸، ص۷۹.
3- « إنَّ النّبیّ [صلی الله علیه و آله] کَان یُؤتی بالصّبیانِ فَیبُرکُ عَلَیهم» . صحیح مسلم، مسلم نیشابوری، ج ۱، ص۱64.
4- مسند احمد، احمدبن حنبل، ج۷، ص 5۲۰؛ الطبقات الکبری، ابن سعد، ج۸، ص۳۱۳.
5- تبرک الصحابه، محمد طاهر مکی، ص۲۹.

6- «كَانَ رسُولُ اللهِ [صلى الله عليه و آله] إذا صَلّى الْغَداةَ جَاءَ خَدَمُ الْمَدينهِ بِآنيَتِهِم فِيها الْماءُ فَما يُؤتى بإناءِ إلاَّ غَمَسَ يَدَه فيها فَرُبَّما جاؤوه فِى الغداهِ الْبارِدهِ فَيَغمِسُ يَدَه فيها» ؛ صحيح مسلم، ج۷، ص۷۹.

انس بن مالک در روایتی می گوید: «سلمانی، سر رسول خدا صلی الله علیه و آله را می تراشید و هر موی آن حضرت در دست یکی از صحابه بود که بدان تبرک می جست» . (1)

ابوجحیفه می گوید:

در مکانی به نام حمراء ادم بودم که بلال آب وضوی پیامبر را بیرون آورد و مردم برای گرفتن قطره های آن با هم مسابقه می گزاردند تا به آن تبرک جویند. (2)

«ابوایوب انصاری» می گوید:

بعد از آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد خانه ما شد؛ من برای حضرتش غذا می آوردم، هنگامی که ظرف غذا را بر می گرداندم، من و همسرم از محل دست های پیامبر صلی الله علیه و آله در غذا به نیت تبرک برمی داشتیم و استفاده می کردیم. (3)

«ابن سعد» می گوید:

از اصحاب رسول خدا شنیدم که می گفتند: رسول خدا صلی الله علیه و آله کنار چاه بضاعه آمد و با دلوی از چاه آب کشید و با آن وضو گرفت و بقیه آن را داخل چاه ریخت. بعد از این جریان هرگاه شخصی مریض می شد، از آن چاه آب می کشیدند و او را می شستند، فوری شفا می یافت. (4)

1- «عن انس قال لَقَد رَأیتُ رسول الله [صلی الله علیه و آله] وَالحَلاّق یَحلِقه و اطافَ به أصْحابُه فَما یُریدون اَن تَقعَ شَعرَه الا فی یَدِ رَجلٍ » ؛ مسند احمد بن حنبل، ج۳، ص۱۳۷؛ صحیح مسلم، ج۷.
2- صحیح بخاری، ج ۱، ص۹۹.
3- الطبقات الکبری، ج ۱، ص۲۹4.
4- الطبقات الکبری، ج ۱، ص۲.

«حنظله» می گوید:

جد من مرا خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله برد و گفت: من پسرانی بزرگ و کوچک دارم که این کوچک ترین آنهاست. برای او دعا بفرمایید. پیامبر صلی الله علیه و آله دستی بر سر من کشید و فرمود: خداوند بر سعادتت بیفزاید، راوی می گوید: با چشم خود دیدم که بیمارانِ صورت باد کرده یا حیوانات پستان ورم کرده را نزد حنظله می آوردند و او بر دست خود آب دهان می زد و با «بسم الله» آن را بر سر خود می کشید و می گفت: این جای دست رسول خدا صلی الله علیه و آله است. سپس محل ورم کرده را مسح می کرد و ورم برطرف می شد. (1)

«صفیه» می گوید:

هرگاه عمر بر ما وارد می شد، دستور می داد تا کاسه ای که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد ما بود به او دهیم، سپس آن را از آب زمزم پر می نمود و از آن می آشامید و (به قصد تبرک) بر صورتش می پاشید. (2)

«عبدالله بن محمد انصاری» می گوید:

همراه فقیه و ادیب مالکی (تاج الدین فاکهانی متوفای ۷۳4) به دمشق رفتیم، او تصمیم داشت که کفش مبارک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را که در دار الحدیث الاشرفیه بود، زیارت کند، من همراهش بودم. چون نگاهش به آن کفش مبارک افتاد، سر را برهنه کرد و به

1- مسند احمد، ج5، ص6۸. مشروح این مطلب در شرح حال حنظله بن حذیم بن حنیفه در الاصابه آمده است.
2- الاصابه، ج۳، ص۲۰۲؛ اسدالغابه، ج4، ص۳5۲.

بوسیدن آن پرداخت و آن را بر صورت خود مالید و اشک هایش جاری بود و شعری را به این مضمون می خواند که اگر به مجنون گویند آیا لیلی و وصال و دیدار او را می خواهی، یا دنیا را با آن چه در آن است؟ خواهد گفت: غباری از خاک کفش لیلی برایم محبوب تر و برای درد عشقم شفابخش تر است. (1)

درکتاب های سنن و آداب، یکی از مستحبات زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله، تبرک جستن به آثار نبوی و اماکن مقدسی است که از دوران های گذشته به یادگار مانده است.

«خطیب شربینی» می گوید:

مستحب است که حاجی به سایر مشاهد و اماکن مدینه هم برود که نزدیک به سی محل می شود و مردم مدینه آنها را می شناسند. همچنین مستحب است زیارت بقیع و مسجد قبا و رفتن به سراغ چاه اریس و نوشیدن و وضو ساختن از آب آن، همچنین بقیه چاه های هفتگانه ای که در مدینه است. (2)

این موارد بخشی از روایات اهل سنت بر جواز تبرّک به آثار اولیای خداست. مسلمانان تنها به پاس احترام پیشوایان خود و پیشتازان دین خدا و به منظور ابراز محبت بی شائبه خود به آن آثار تبرک می جویند. اگر شیعیان هنگام زیارت حرم پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، ضریح را می بوسند، و یا در و دیوار را لمس می کنند، تنها بدان جهت است که به پیامبر گرامی و عترت او عشق می ورزند و این یک مسئله عاطفی، انسانی است که در وجود یک انسان شیفته، تجلی می یابد.

1- الدیباج المذهب، ص۱۸۷.
2- المغنی، ج ۱، ص495؛ وفاء الوفاء، ج۲، صص۱۱۹- ۱49.

توسل

«توسل» در لغت به معنای چیزی است که انسان به سبب آن به مقصود خود رهنمون می شود. [(1)] در اصطلاح به این معناست که بنده، چیزی یا شخصی را نزد خداوند واسطه قرار دهد تا او وسیله قرب و نزدیکی اش به خدا گردد. [(2)]

یکی دیگر از عقاید مسلّم اسلامی، که وهابیت آن را انکار می کند، توسل است.

«عبدالعزیز بن باز» مفتی سابق سعودی می گوید:

توسل به جاه و برکت یا حقِ کسی، بدعت است، ولی

شرک نیست؛ از همین رو هرگاه کسی بگوید: «اللّهم إنّی أسألک بجاه أنبیائک أو بجاه ولیک فلان أو بعبدک فلان أو بحقّ فلان أو برکه فلان» جایز نیست، بلکه بدعت و شرک آلود است. [(3)]

«شیخ صالح بن فوزان» می گوید:

هرکس به خالق و رازق بودن خداوند ایمان آورد، ولی در عبادت واسطه هایی بین خود و خداوند قرار دهد، در دین خدا بدعت گذارده است... و اگر به وسائط متوسل شود (به جهت جاه و مقام آنان) بدون آنکه آنان را عبادت کند، این بدعت حرام و وسیله ای از وسائل شرک است... [(4)]

1- لسان العرب، ماده وسل.
2- تفسیر روح المعانی، آلوسی، ج6، صص۱۲۸ - ۱۲۴.
3- مجموع فتاوی و مقالات متنوّعه، بن باز، ج4، ص ۳۱۱.
4- المنتقی من فتاوی الشیخ بن فوزان، ج۲، ص54.

این در حالی است که آیات متعدد قرآن و شواهد تاریخی و همچنین فتاوای اهل سنت بر خلاف این نظریه نادرست است.

«زینی دحلان» می گوید:

هرکس ذکرهای پیشینیان و دعاها و اوراد آنان را دنبال کند، در آنها مقدار زیادی از توسل به ذوات مقدسه می یابد. کسی بر آنان ایراد نگرفت، تا اینکه این منکران (وهابیان) آمدند. اگر قرار باشد که نمونه های توسل را جمع کنیم، کتابی عظیم می شود. (1)

«نووی» در برخی از کتاب هایش قائل به استحباب توسل شده است. (2)

نورالدین سمهودی می گوید:

استغاثه و شفاعت و توسل به پیامبر و جاه و برکت او نزد خداوند از کردار انبیا و سیره سلف صالح بوده و در هر زمانی انجام می گرفته است؛ چه قبل از خلقت و چه بعد از آن، حتی در حیات دنیوی و در برزخ. هرگاه توسل به اعمال صحیح باشد، همان گونه که در حدیث غار آمده، توسل به پیامبر اولی است. (3)

«حسن بن علی سقاف شافعی» می گوید:

توسل، استغاثه، طلب شفاعت از بزرگ مردم (محمد پیامبر و چراغ تاریکی ها) از امور مستحبی است که بر آن تأکید فراوان شده است، به ویژه هنگام گرفتاری ها، و سیره علمای اهل عمل

1- توسل و رابطه آن با توحید، ص۲۷ به نقل از الدر السنیه، ص ۳۱.
2- حاشیه الایضاح علی المناسک، صص 45۰ و 4۹۸؛ توسل و رابطه آن با توحید، ص۲۷.
3- وفاءالوفاء، ج4، ص۱۳۷۲.

واولیای اهل عبادت، بزرگان محدثین و امامان سلف بر این بوده است. (1)

غماری در مقدمه کتابش می نویسد: «استحباب توسل در مذهب شافعی و دیگران (حنبلی، حنفی، مالکی) ، شایسته شمرده شده است» . (2)

در قرآن و روایات نیز موارد زیادی از توسلات انبیا و اولیای خدا آمده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

«احمد بن حنبل» ، «ترمذی» ، «ابن ماجه» و «بیهقی» از «عثمان بن حنیف» روایت می کنند:

مردی نابینا خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: از خدا بخواه مرا بهبود بخشد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: اگر خواستی دعا می کنم و اگر صبر کنی برای تو بهتر است. عرض کرد: دعا بفرمایید. پیامبر به او فرمود: وضوی نیکو بگیر و این دعا را بخوان:

«اللّهمّ إنّی أَسألکَ وَ أَتوجَّهُ إلیکَ بِنَبیکَ مُحمّد نَبی الرَّحْمه. یا مُحمَّد إنّی تَوجَّهتُ بکَ إلی ربّی فی حاجتی فَتُقضَی لی. اللّهمَّ شفّعه فیَّ» . (3)

شخصی نزد پیامبر، از ضعف حافظه خود شکایت کرد. حضرت با دست نهادن بر سینه اش، به شیطان دستور داد که از درون او دور شود. از

1- توسل و رابطه آن با توحید، ص۲۷.
2- توسل و رابطه آن با توحید، ص۲۷، به نقل از ارغام المبتدع الغبی بجواز التوسل النبی، در بخش مقدمه.
3- «پروردگارا! من از تو درخواست می کنم به وسیله پیامبرت محمد پیامبر رحمت، به سوی تو می آیم. ای محمد! من برای درخواست حاجتم از خداوند نزد تو آمدم و تو را وسیله قرار دادم تا خواسته ام برآورده گردد. خداوندا! او را شفیع و وسیله من قرار ده» ؛ مسند احمدبن حنبل، ج4، ص۱۳۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱44.

آن پس حافظه او قوی گشت و هر چه را می شنید، در یادش می ماند. (1)

ف-رزن-دان یعقوب به آن حضرت متوسل شدند تا در پیشگاه خدا برای آنان استغفار کند

«قالُوا یا أَبانَا اسْتَغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا إِنَّا کُنَّا خاطِئِینَ» (یوسف: ۹6)

گفتند: پدر از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه، که ما خطاکار بودیم.

آن-ان در واق-ع آمرزش خود را از خدا می خواستند نه از حضرت یعقوب، و فقط در این کار حضرت یعقوب را واسطه ق-رار داده بودند؛ زیرا یعقوب پیش خدا آبرومند بود و خداوند دعای او را رد نمی کرد. به دنبال آن توسل، حضرت یعقوب فرمود:

«قالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَکُمْ رَبِّی إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ» (یوسف:۹۷)

گفت به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می طلبم، که او آمرزنده و مهربان است.

همچنین امت موسی از آن حضرت درخواست کمک نمودند:

« وَ أَوْحَیْنا إِلی مُوسی إِذِ اسْتَسْقاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصاکَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتا عَشْرَةَ عَیْناً. . . » (اعراف: ۱6۰)

و هنگامی که قوم موسی (در بیابان) از او تقاضای آب کردند، به او وحی فرستادیم که: عصای خود را بر سنگ بزن، ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون جست.

«وَ إِذِ اسْتَسْقی مُوسی لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصاکَ الْحَجَرَ

1- شرح المواهب، زرقانی، ج۸، ص۳۱۷.

فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتا عَشْرَةَ عَيْناً. . .» (بقره: ۶۰)

و (به یاد آورید) زمانی را که موسی برای قوم خویش، آب طلبید، به او دستور دادیم عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن، ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید.

درباره پیامبر صلی الله علیه و آله، خداوند متعال می فرماید:

«وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاءُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِیماً» (نساء: 64)

واگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می کردند به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد، قطعاً خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.

علاوه بر آنچه گذشت، درباره توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله، روایات زیادی وجود دارد که صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله در مهم ترین مشکلاتشان به ایشان متوسل می شدند.

در اینجا به برخی از این روایات و گزارش های تاریخی اشاره می کنیم.

«انس بن مالک» می گوید:

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم مدینه دچار خ-شکسالی شدند. در روز جمعه هنگامی که پیامبر خطبه می خواند، مردی برخاست و گفت: «ای پیامبر خدا ! کشتزارها و حیوانات ما در حال هلاک شدن هستند، از خدا بخواه که ما را سیراب گرداند» ، پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و دعا فرمود. ان-س می گ-وی-د: «به قدری ب-اران بارید که آب بر منازل هم جاری شد» ، جمعه دیگر همان مرد ب-رخ-اس-ت، و گ-ف-ت: «ی-ا رسول الله ! خانه های ما در حال ویران شدن است، از خدا بخواه

که باران بایستد» . پیامبر صلی الله علیه و آله نگاهی به آسمان کرد، باران قطع شد و بر اطراف مدینه بارید. (1)

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

شخصی سه روز بعد از دفن رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مدینه شد و خود را روی قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله انداخت و خاک آن را بر سر ریخت و عرض کرد: «ای رسول خدا! گفتی، ما هم گفتارت را شنیدیم، از جانب خداوند بود، ما نیز اطاعت کردیم، از جمله آیاتی که بر تو نازل شد، این بود: «وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاءُوکَ» ، من به خود ظلم کرده ام، آمده ام تا برایم استغفار نمایی» ، از داخل قبر ندا داده شد که تو به طور حتم بخشیده شدی. (2)

دانشمندانی چون «ابن حیان» ، «ابن خزیمه» ، «ابوعلی خلال» ، «شیخ الحنابله» در زمان گرفتاری، به قبور اهل بیت پیامبر علیه السلام متوسل می شدند. (3)

در صحیح بخاری آمده است:

در سال هایی که قحطی و کم آبی می شد، عمربن الخطاب برای طلب باران به عباس عموی رسول الله صلی الله علیه و آله متوسل می شد و می گفت: «خدایا ما متوسل می شدیم به تو، به نبی مان [رسول الله صلی الله علیه و آله] پس باران نازل می کردی و ما را سیراب می کردی و [اکنون که رسول الله صلی الله علیه و آله در بین ما نیست] متوسل

1- صحیح بخاری، ج ۱، ص۲۲4.
2- الروض الفائق، ص ۳۸۰؛ وفاء الوفاء، ج4، ص۱۳۹۹؛ المواهب اللدنیه، ج4، ص5۳۸؛ توسل و رابطه آن با توحید، ص ۳۱.
3- کتاب الثقات، ج۸، ص456؛ تهذیب التهذیب، ج۷، ص ۳۳۹؛ تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۰.

می شویم به تو، به عموی پیامبر، پس مارا سیراب کن» ، پس سیراب می شدند. (1)

علامه امینی در توجیه توسل می فرماید:

توسل بیش از این نیست که شخصی با واسطه قراردادن ذوات مقدسه به خدا نزدیک شود و آنها را وسیله برآورده شدن حاجات خود قرار دهد؛ زیرا آنان نزد خدا آبرومندند؛ نه اینکه ذات مقدس آنان را به طور مستقل در برآورده شدن حاجت هایش دخیل بداند، بلکه آنان را مجاری فیض، حلقه های وصول واسطه های بین مولی و بندگان می داند. . . با این عقیده که تنها مؤثر حقیقی در عالم وجود خداوند سبحان است و تمام کسانی که متوسل به ذوات مقدسه می شوند، همین نیت را دارند، حال این چه ضدیتی با توحید دارد؟ (2)

از این بیان معلوم شد که گفتن، یا رسول الله، یا علی، یا حسن و یا حسین و مانند اینها صدا زدن است نه عبادت، همچنین توسل به رسول الله صلی الله علیه و آله و سایر اولیای خدا عبادت نیست، بلکه واسطه قرار دادن است؛ همان طور که خدا امر کرده مسلمانان نزد رسول الله صلی الله علیه و آله آمده و او برایشان طلب مغفرت کند.

با این بیان بطلان تفکر شرک بودن توسل روشن گردید؛ زیرا آیات و روایات صحت توسل چه در زمان حیات و چه پس از مرگ انبیا و اولیا الهی را ثابت می کند.

1- «عن انس: اَنَّ عُمَر بنَ الخطّابِ کانَ اذا قَحِطُوا اِسْتَسْقی بِالعبَّاسِ بْنِ عَبْدالمُطَّلِب فقال: اللّهم انّا کنّا نَتَوَسَّلُ اِلَیکَ بِنَبیِّنا [صلی الله علیه و آله] فَتَسقینا و اِنَّا نَتَوَسَّلُ اِلَیکَ بِعَمِّ نَبِیِّنا فاسقنا، قال: فَیُسقُون» . صحیح بخاری، ج۲، ص16۱.

2- الغدیر، ج۳، ص۳ ۰4.

شفاعت

«شفاعت» از ماده «شفع» به معنای جفت است. علت اینکه به وساطت شخص برای نجات گناه کار شفاعت گفته می شود، این است که مقام و موقعیت شفاعت کننده و نیروی تأثیر او، با عوامل نجاتی که در وجود شفاعت شونده هست (هر چند کم و اندک باشد) به ضمیمه و کمک هم، موجب خلاص شخص گناه کار می گردند.

شفاعت، یکی از اصول مسلم اسلام است که همه فرق مسلمان به پیروی از آیات قرآن و روایات، آن را پذیرفته اند. هر چند در نتیجه شفاعت با هم اختلاف نظر دارند.

حقیقت شفاعت این است که انسان گرامی که در نزد خداوند، قرب و مقامی دارد، از خدای متعال خواهان بخشودگی گناهان و یا ارتقاع درجه انسانی دیگر گردد و از راه اولیای خدا و بندگان برگزیده او رحمت و آمرزش و فیض الهی به مردم برسد. همان گونه که هدایت الهی که از فیض های خداوند است، در این دنیا از راه پیامبران و کتب آسمانی او به مردم می رسد، آمرزش الهی نیز در قیامت، از همین راه به گناه کاران می رسد

رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: «پنج چیز به من ارزانی شد ... و شفاعت به من عطا شد، پس آن را برای امت خود ذخیره نمودم». (1)

در احادیث اسلامی دعای مسلمان در حق مسلمان دیگر شفاعت شمرده شده است. ابن عباس از پیامبر نقل می کند که هرگاه مسلمانی

1- «اعْطِیْتُ خَمْساً. . . وَ اعْطِیْتُ الشَّفاعَهَ فَادّخَرْتُها لامَّتِی» ؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۳۰۱؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۱.

بمیرد و بر جنازه او چهل مرد - که شرک نمی ورزند - نماز بگزارند، خداوند شفاعت آنها را درباره وی می پذیرد. (1)

در این حدیث دعاکننده به عنوان شافع معرفی شده است. البته گفتنی است که شفاعت، مطلق و بدون قید و شرط نیست، بلکه شرایطی دارد:

۱. شفیع از جانب خدا باید اذن داشته باشد. قرآن مجید در این باره می فرماید:

«لا يَمْلِكُونَ الشَّفاعَةَ إِلاَّ مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمنِ عَهْداً» (مریم:۸۷)

آنان هرگز مالک شفاعت نیستند مگر کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی دارد.

همچنین درآیه دیگر می فرماید:

«يَوْمَئِذٍ لا تَنْفَعُ الشَّفاعَةُ إِلاَّ مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلاً» (طه: ۱۰۹)

در آن روز شفاعت هیچ کس سودی نمی بخشد، جز کسی که خداوند به او اجازه داده و به گفتار او راضی است.

۲. شخص مورد شفاعت نیز باید شایستگی دریافت فیض الهی را از طریق شفیع پیدا کند؛ یعنی رابطه ایمانی او با خدا و پیوند روحی وی با شفیع، برقرار باشد، بنابراین کافران که رابطه ایمانی با خداوند ندارند و برخی از مسلمانان گناه کار؛ مانند گروه بی نماز و آدم کش که فاقد پیوند روحی با شفیع هستند، مورد شفاعت قرار نمی گیرند.

1- «ما مِنْ رَجُلٍ مُسْلِمٍ يَمُوتُ عَلى جَنازَتِهِ فَيَقُومُ اَرْبَعُونَ رَجُلاً لايُشْرِكُونَ بِاللهِ شَيئاً اِلاّ شَفَّعَهُمُ اللهُ فِيهِ» . صحیح مسلم، ج۳، ص54.

قرآن درباره افراد بی نماز و منکران روز رستاخیز می فرماید: « فَما تَنْفَعُهُمْ شَفاعَةُ الشَّافِعِينَ » ؛ «ازاین رو، شفاعت شفاعت کنندگان به حال آنها سودی نمی بخشد» . (مدثر: 4۸)

همچنین درباره ستمگران می فرماید:

«ما لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَ لا شَفِيعٍ يُطاعُ» (مؤمن: ۱۸)

برای ستمکاران دوستی وجود ندارد، و نه شفاعت کننده ای که شفاعتش پذیرفته شود.

بنابراین خداوند دعای اولیای خودش را در زندگی دنیوی سبب آمرزش قرار داده است چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به فرموده قرآن از کسانی بود که دعایش در حق گناه کاران مستجاب می شد:

«وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاءُوکَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً» (نساء: 64)

واگر این مخالفان هنگامی که به خود ستم می کردند به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد، قطعاً خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.

در روز رستاخیز نیز دعا و وساطت ایشان می تواند سبب آمرزش یا بالا رفتن درجه بعضی از مردم شود.

رسول خدا می فرمایند: «شفاعت من در روز رستاخیز، از آن کسانی از امت من است که مرتکب گناهان کبیره شده اند» . (1)

اما فرقه وهابیت، شفاعت از اولیای خدا را حرام می داند. «ابن تیمیه» می گوید: «اگر کسی بگوید: از پیامبر به جهت نزدیکی به خدا می خواهم

1- «إنَّ شَفاعَتِی یَومَ الْقیامَهِ لأَهْلِ الْکَبائِر مِنْ امَّتی» ؛ مسند احمد، ج۳، ص۲۱۳؛ سنن ابن ماجه، ج۲، ص5۸۲.

تا شفیع من در این امور باشد، این از کارهای مشرکان است» . (1)

دلیل آنها بر شرک بودن شفاعت این است که خداوند بت پرستان حجاز را ازآن رو مشرک خوانده است که آنها از بت ها طلب شفاعت می نمودند و در مقابل آنها به ناله و زاری می پرداختند و درخواست وساطت می کردند؛ چنان که آیه زیر بر آن گواهی می دهد:

«وَ یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ ما لا یَ-ضُرُّهُمْ وَ لا یَنْفَعُهُمْ وَ یَقُولُونَ هؤُلاءِ شُفَعاؤُنا عِنْدَ اللّهِ» (یونس: ١٨)

آنها غیر از خدا، چیزهایی را می پرستند که نه به آنان زیان می رساند و نه سودی می بخشد و می گویند: اینها شفیعان ما نزد خدا هستند.

بنابراین هر نوع شفاعت خواهی از غیر خدا، شرک و پرستش شفیع خواهد بود.

پاسخ: این آیه کوچک ترین دلالتی بر مقصود آنان ندارد، و علت مشرک بودن آنان از نظر قرآن این است که بت ها را می پرستیدند تا سرانجام آنها را شفاعت کنند نه اینکه از بت ها شفاعت خواسته باشند؛ زیرا اگر شفاعت خواهی از بت ها، پرستش آنها بود، دیگر دلیلی نداشت که بعد از « وَ یَعْبُدُونَ » جمله « وَ یَقُولُونَ هؤُلاءِ شُفَعاؤُنا » آورده شود.

عطف این دو جمله به هم، نشان می دهد که موضوع پرستش بت ها غیر از مسئله شفاعت خواهی از آنان بوده است. پرستش بت ها نشانه شرک و دوگانه پرستی است و شفاعت خواهی از سنگ و چوب عمل احمقانه و دور از منطق و علم است.

1- زیاره القبور، ص5٣.

این آیه هرگز دلالت ندارد که شفاعت خواهی از بت ها پرستش آنها است، چه رسد به اینکه شفاعت خواهی از اولیای حق و عزیزان درگاه وی نشانه پرستش آنها باشد. (1)

بنابراین علاوه بر آیات قرآن که دلالت بر مشروعیت وتجویز شفاعت دارد، شواهد روایی و تاریخی بسیاری بر رویکرد مسلمانان از گذشته تاکنون بر اعتقاد به شفاعت وجود دارد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله دراین باره می فرمایند: «شفاعت من در روز رستاخیز، از آن کسانی از امت من است که مرتکب گناهان کبیره شده اند» . (2)

حتی در متن زیارتنامه هایی که علمای اهل سنت در کتب خویش آورده اند، مسئله توسل و شفاعت مطرح است، که به یک مورد آن اشاره می شود.

در یکی از زیارت ها خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

. . . سلام بر تو ای پیامبر رحمت و ای شفیع امت! . . .

درود خدا بر بهترین مکانی که جسم پاک تو را در برگرفته است.

ای رسول خدا! ما مهمانان تو و زائران حرمت، از شهرهای دور، با پیمودن دشت ها و بیابان ها به زیارت تو آمده ایم و شرافت یافته ایم که در پیشگاه تو فرود آییم، تا به شفاعت تو دست یابیم و به یادگارها و آثار بازمانده از تو بنگریم و برخی از حقوق تو را ادا کنیم و تو را در پیشگاه پروردگارمان شفیع قرار دهیم. بار گناهان کمرهای ما را شکسته است و تو شفیعی

1- آیین وهابیت، جعفر سبحانی، صص۲۷۵ و۲۷6.
2- «إنَّ شَفاعَتِی یَومَ الْقیامَهِ لأَهْلِ الْکَبائِر مِنْ امَّتی» . مسند احمد، ج۳، ص۲۱۳.

هستی که شفاعتت پذیرفته است و ما را به شفاعتت وعده داده اند، پس در پیشگاه خدا شفیع ما باش و از پروردگار بخواه که ما را بر سنت تو بمیراند و در زمره همراهانت برانگیزد. . . شفاعت، شفاعت، یا رسول الله!. . . (1)

یکی از علمای اهل سنت می نویسد:

زائر پیامبر صلی الله علیه و آله به آن حضرت توسل جوید و در توسل به او، از خداوند به جاه و مقام وی مسئلت کند؛ زیرا توسل به حضرتش کوه های گناه و بارهای سنگین معاصی را فرو می ریزد. برکت شفاعت او و عظمتش در پیشگاه پروردگار، در حدی است که هیچ گناهی یارای ماندن در برابرش نیست. هرکس جز این عقیده داشته باشد، محرومی است که خداوند، چشم بصیرتش را کور کرده و دلش را به گمراهی کشانده است. آیا مخالف این عقیده، این آیه را نشنیده است: «وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ. . .» . (2)

در زمان حیات پیامبر، گناه کاران برای درخواست مغفرت به حضور وی می رسیدند و آن حضرت نیز به آنان، نسبت شرک نمی داد. در سنن ابن ماجه از پیامبر گرامی روایت می کند که فرمود:

آیا می دانید که خدا امشب مرا بین چه چیزهایی مخیر فرمود؟ گفتیم: «خدا و پیامبر بهتر می دانند» . فرمود: «او مرا مخیر ساخت

1- «السلام علیک یا شفیع الامه. . . یا رسول الله، نحن وفدک و زوار حرمک تشرفنا بالحلول بین یدیک و جئنا من بلاد شاسعه و امکنه بعیده نقطع السهل والوعربقصد زیارتک لنفوز بشفاعتک والنظر إلی مآثرک و معاهدک. . . والاستشفاع بک إلی ربنا. . . أنت الشافع المشفع. . . فاشفع لنا إلی ربک وأسأله ان یمیتنا علی سنتک» ؛ الغدیر، ج5، ص۱۳۹ به نقل از مراقی الفلاح، حسن بن علی شربنلانی.
2- شرح المواهب، ج۸، ص۱45.

بین اینکه نصف امت من وارد بهشت گردند و بین شفاعت، پس شفاعت را اختیار نمودم» . گفتیم: «ای پیامبر خدا، از پروردگار خود بخواه که ما را شایسته شفاعت گرداند» . فرمود: «شفاعت، برای هر مسلمانی خواهد بود» . (1)

در این حدیث به روشنی، یاران پیامبر از خود او درخواست شفاعت می کنند و می گویند:

«أدع الله. . .» .

1- «أتَدرونَ ما خَیّرنی ربّی اللّیلةَ؟ قُلنا الله وَ رَسولُه أعلَمُ. قال فانّه خَیّرنی بَینَ أنْ یَدخُلَ نِصفَ اُمّتی الجنَّةَ وَ بَینَ الشّفاعهِ فاخْترِتُ الشَّفاعةَ، قلنا یا رَسولَ الله ادْعُ الله أنْ یَجعلَنا مِن أهلِها قال هی لِکلِّ مُسلمٍ» . سنن ابن ماجه، ج۲، ص5۸6.

کتابنامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

1. آداب سفر حج، سیدعلی قاضی عسکر، چاپ اول، تهران، نشر مشعر، 1382ه .ش.

2. آداب سفر و زیارت عتبات عالیات، سیدعلی قاضی عسکر، نشر مشعر.

3. آیین وهابیت، جعفر سبحانی، چاپ هشتم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1376ه .ش.

4. الاتحاف بحبّ الاشراف، عبدالله شافعی، قم، منشورات الرضی، 1363ه.ق.

5. احکام روابط زن ومرد، سید مسعود معصومی، چاپ بیست و چهارم، قم، بوستان کتاب، 1380ه .ش.

6. اخبار مکه، ازرقی، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، تهران، چاپ و نشر بنیاد مستضعفان، 1368ه .ش.

7. ادب زیارت و معرفت زائر، عبدالحسین نیشابوری، چاپ اول، قم، دلیل ما، 1380ه .ش.

8. ادب فنای مقربان، عبدالله جوادی آملی، قم، نشر اسراء، 1383ه .ش.

۹. أسد الغابه، علی بن ابی الکرم ابن اثیر، بیروت، دار الکتاب العربی.

۱۰. الاصابه فی تمییز الصحابه، ابن حجر عسقلانی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، 5 ۱41ه. ق.

۱۱. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱365ه. ش.

۱۲. امالی الصدوق، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) ، چاپ پنجم، بیروت، اعلمی، ۱4۰۰ه. ق.

۱۳. بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، 4 ۱4۰ه. ق.

۱4. بر ستیغ نور، علی رفیعی، چاپ اول، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۳ه. ش.

۱5. بصائر الدرجات، محمد بن حسن صفّار، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، 4 ۱4۰ه. ق.

۱6. پیمان پارسایی، ابوالفضل بهرام پور، چاپ اول، تهران، مشعر، ۱۳۸۷ه. ش.

۱۷. تاریخ المدینه المنوره، ابن شبه، قم، دار الفکر، ۱41۰ه. ق.

۱۸. تاریخ بغداد، احمد بن علی الخطیب البغدادی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱41۷ه. ق.

۱۹. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، 4 ۱4۰ه. ق.

۲۰. تحفه الفقها، سمرقندی، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب، 4 ۱41ه. ق.

۲۱. تفسیر آسان، محمدجواد نجفی خمینی، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۸ه. ق.

۲۲. تفسیر المیزان، محمدحسین طباطبایی، مترجم محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی.

۲۳. تفسیر روح المعانی، آلوسی، بیروت، دارالکتب العلمیه، 5 ۱4 ۱ه. ق.

.۲4 تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، چاپ بیست و دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ه. ش.

.۲5 تفسیر هدایت، سید محمدتقی مدرسی، ترجمه: احمد آرام، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس، ۱۳۷۷ه. ش.

.۲6 التمهید، ابن عبد البر، مغرب، ۱۳۸۷ه. ق.

.۲۷ توسل و رابطه آن باتوحید، حسین رجبی.

.۲۸ توضیح المسائل، امام خمینی.

.۲۹ تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳65ه. ش.

.۳۰ تهذیب الأحکام، محمد بن حسن طوسی، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳64ه. ش.

.۳۱ تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، بیروت دار الفکر للطباعه والنشر، ۱۴۰4ه. ق.

.۳۲ ثواب الأعمال، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) ، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳6۸ه. ش.

.۳۳ الجعفریات، محمد بن محمد بن اشعث، تهران، مکتبه نینوی.

.۳4 جنات ثمانیه، محمدباقر حسینی خلخالی، چاپ اول، قم، دلیل ما، ۱۳۸۱ه. ش.

.۳5 جواهر الکلام، محمدحسن نجفی، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

.۳6 الخصال، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) ، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ه. ق.

۳۷. الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، محمد بن مکی (شهید اول) ، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ه. ق.

۳۸. الذریعه الی تصانیف الشیعه، آقا بزرگ طهرانی، چاپ دوم، بیروت، دارالاضواء.

۳۹. ره توشه زیارت، محمود اکبری، قم، شهاب الدین، ۱۳۸۴ه. ش.

۴۰. زندگی دوازده امام، هاشم معروف الحسینی، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳ه. ش.

۴۱. زیارت در تمدن ها و ادیان دیگر، غلامرضا جلالی، نشریه زائر.

۴۲. زیارت عاشورا و تربت سیدالشهدا، حیدر قنبری، چاپ اول، قم، شمیم کوثر، ۱۳۸۵ه. ش.

۴۳. زیارت، جواد محدثی، چاپ اول، تهران، نشر مشعر، ۱۳۷۱ه. ش.

44. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، چاپ دوم، قم، اسوه، ۱۴۱6ه. ق.

45. سنن ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، بیروت، دار الفکر للطباعه والنشر.

46. سنن الدارمی، عبدالله بن بهرام الدارمی، دمشق، مطبعه الاعتدال، ۱۳۴۹ه. ق.

۴۷. السنن الکبری، احمد بن حسین بیهقی، بیروت، دار الفکر.

۴۸. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰4ه. ق.

۴۹. شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، تقی الدین فاسی المکی، مترجم: محمد مقدّس، چاپ اول، تهران، مشعر، ۱۳۸6ه. ش.

5. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دار الفکر للطباعه والنشر، ۱۴۰۱ه. ق.

51. صحیح مسلم، مسلم نیشابوری، بیروت، دارالفکر.

52. الصواعق المحرقه، احمد بن حجر الهیثمی، قاهره، مطبعه الیمینیه، ۱۳۱۲ه. ق.

53. الطبقات الکبری، محمدبن سعد، بیروت، دارصادر.

54. علامه امینی جرعه نوش غدیر، مهدی لطفی، چاپ دوم، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی انصاری، ۱۳۷۹ه. ش.

55. علل الشرائع، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) ، نجف، منشورات المکتبه الحیدریه، ۱۳۸5ه. ق.

56. عمده القاری، بدرالدین عینی، بیروت، دار إحیاء التراث العربی.

57. عوالی اللئآلی، ابن أبی جمهور الإحسائی، چاپ اول، قم، سیدالشهداء، ۱4۰۳ه. ق.

58. عیون أخبار الرضا، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) ، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱4۰4ه. ق.

59. الغدیر، عبدالحسین امینی، چاپ چهارم، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۷ه. ق.

60. غررالحکم و دررالکلم، عبدالرحمان بن محمد تمیمی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳66ه. ش.

61. فرحه الغری، عبدالکریم بن طاوس، چاپ اول، قم، دارالرضی.

62. فریادگر توحید، مؤسسه تحقیقاتی اهل بیت علیهم السلام، چاپ دوم، قم، مؤسسه انتشاراتی انصاری، ۱۳۷۸ه. ش.

63. کامل الزیارات، ابن قولویه، چاپ اول، قم، موسسهٔ نشر الفقاهه، ۱4۱۷ه. ق.

64. کتاب الثقات، ابن حبان، چاپ اول، حیدر آباد، مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۳۹۳ه. ق.

65. کشف الغطاء، شیخ جعفر کاشف الغطاء، اصفهان، مهدوی.

66. کنز العمال، علی متقی الهندی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱4۰۹ه. ق.

6۷. کیمیای محبت، محمد محمدی ری شهری، چاپ اول، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۸ه. ش.

6۸. لؤلؤ و مرجان، میرزا حسین نوری، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ه. ش.

6۹. مجموعه آثار امام خمینی، صحیفه امام، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ه. ش.

۷۰. مجموعه سخنان و پیام های مقام معظم رهبری، صحیفه حج، چاپ اول، تهران، نشر مشعر، ۱۳۸۲ه. ش.

۷۱. المزار، محمد بن محمد مکی (شهید اول) ، قم، مؤسسه الإمام المهدی۷، ۱4۱۰ه. ق.

۷۲. المزار، مفید، چاپ اول، بیروت، دار المفید للطباعه والنشر، ۱4۱4ه. ق.

۷۳. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، قم، آل البیت علیهم السلام، ۱4۰۸ه. ق.

۷4. مسند أبی یعلی، أبو یعلی احمد بن علی التمیمی، دار المأمون للتراث.

۷5. مسند احمد، احمد بن حنبل، بیروت، دارصادر.

۷6. مصباح المنیر، محمدبن علی فیومی، چاپ اول، قم، دارالهجره، ۱4۰5ه. ق.

۷۷. معالم المدرستين، سید مرتضی عسکری، بیروت، دارالفکر للطباعه والنشر، ۱۰4۱ه. ق.

۷۸. معانی الأخبار، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) ، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۷۹ه. ق.

۷۹. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، قم، شرکت تعاونی ناشران قم.

۸۰. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ه. ق.

۸۱. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) ، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ه. ق.

۸۲. المنجد، احمد بندر ریگی، چاپ اول، تهران، انتشارات ایران، ۱۳۷۰ه. ش.

۸۳. موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام، مؤسسه الامام الهادی۷، قم، اعتماد، ۱۴۲۵ه. ق.

۸4. میزان الحکمه، محمدمحمدی ری شهری، چاپ اول، قم، دارالحدیث.

۸5. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، قم، آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ه. ق.

۸6. وفاء الوفا، علی بن احمد سمهودی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰4ه. ق.

۸۷. همراه با زائران خانه خدا، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ
آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
1.JAVA
2.ANDROID
3.EPUB
4.CHM
5.PDF
6.HTML
7.CHM
8.GHB
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
1.ANDROID
2.IOS

3.WINDOWS PHONE
4.WINDOWS
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 09132000109
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109